

بناام خدا

حقوق اساسی

آشنائی با تشکیلات دولت جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه علوم اقتصادی

گنج بخش

دانشگاه علوم اقتصادی- پاییز ۹۰

فهرست

بخش اول: کلیات

بخش دوم: اصول کلی حقوق اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بخش سوم: حقوق اساسی مردم

بخش چهارم: نهاد ولایت فقیه (وظایف رهبری و ارتباط با قوای سه گانه)

بخش پنجم: قوه مقننه (قانونگذاری)

بخش ششم: قوه مجریه (ریاست جمهوری و دولت)

بخش هفتم: قوه قضائیه

بخش هشتم: اقتصاد، سیاست خارجی و رسانه های گروهی

بخش نهم: بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پیوست: متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش اول: کلیات

فصل اول: تعریف، مبنا، هدف و شاخه های حقوق

۱/۱ تعریفهای متداول حقوق

الف) مجموعه بایدها و نبایدهایی که حاکم بر روابط میان اشخاص است از آن جهت که این اشخاص در اجتماع هستند و سایرین نیز ملزم به مراعات آن می‌باشند. مانند: مجموعه باید و نبایدهای حاکم بر روابط میان زن و شوهر و فرزندان که به آن حقوق خانواده می‌گویند.

ب) حقوق جمع کلمه حق است و حق بمعنی نوعی امتیاز و توانایی است که به اشخاص اعطاء شده و کلیه آحاد جامعه ملزم به رعایت آن می‌باشند. مانند امتیازی که به زن در مقابل شوهر و فرزندان اعطا شده و سایر اعضای خانواده ملزم به رعایت آن می‌باشند. حق در این معنا در مقابل تکلیف قرار دارد.

ج) حقوق گاهی اوقات بمعنی اسم جمع استعمال می‌شود یعنی دانشی که به بررسی مجموعه مقررات خاصی می‌پردازد مانند حقوق بشر که مراد از آن مقررات خاص ذات بشر است از آن جهت که بشر است.

د) گاهی حقوق بمعنی نظام حقوقی استعمال می‌شود مانند حقوق ایران که بمعنی مجموعه دانشهای حقوقی حاکم در قلمرو سرزمینی یک کشور (مانند ایران) می‌باشد.

ه) حقوق بمعنی دستمزد: مانند حقوق دیوانی که منظور از آن دستمزد کارکنان و هزینه خدماتی است که دولت از مردم (طرفین اسناد) دریافت می‌نماید یا مانند حقوق کارمندان که منظور از آن مبنای حقوقی کارمند بدون در نظر گرفتن فوق العاده و مزایا و کسورات قانونی می‌باشد، این معنی در امور مالیاتی و حقوق اداری بیشتر استعمال می‌شود.

۲/۱- تعریف حقوق اساسی

حقوق اساسی مجموعه باید و نبایدهایی است که بر روابط حاکمیتی میان اجزاء دولت و در ارتباط با مردم حکومت می‌کند بنابراین این رشته از حقوق راجع به سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی آن، ساختار حکومت، سازمان و وظایف و اختیارات قوی سه گانه و حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، انتخابات و احزاب سیاسی و نظایر آن بحث می‌کند.

۳/۱- مبنای حقوق

الف: عدالت - گروهی معتقدند فقط قاعده‌ای حقوقی است که ضمن تأمین رفاه و آسایش عمومی مبتنی بر اصول عادلانه نیز باشد (مکتب حقوق فطری)

ب: حکومت - گروه دیگری معتقدند فقط قاعده‌ای حقوقی است که از پشتیبانی دولت برخوردار باشد و قواعد ماوراء اراده دولت وجود ندارد (مکتب تحققی)

۴/۱- هدف حقوق

الف - تأمین حقوق فردی (مکتب اصالت فرد) هدف نهایی قواعد حقوقی تأمین آزادی فرد و احترام به شخصیت و حقوق ثابت و طبیعی اوست. بنابراین مبنای حقوق قاعده‌ای مافوق اراده دولت (آزادی و عدالت) است و حقوق مجموعه‌ای است که در نتیجه آن اختیار و آزادی هر شخصی با اختیار و آزادی دیگران جمع می‌شود. (عدالت معاوضی)

ب - تأمین حقوق جامعه و دولت (اصالت اجتماع) از آنجا که حقوق محصول زندگی جمعی بشر است و فرد نیز کاملاً از جامعه متأثر می‌باشد بنابراین تأمین منافع اجتماع نهایتاً بسود کلیه افراد است گرچه گاهی با محدودیت اندکی در آزادی‌های فردی همراه باشد.

۵/۱- ویژگی‌های قاعده حقوقی

الف - قاعده حقوقی الزام آور است، بنابراین مقررات عرفی، اخلاقی و مذهبی که با الزام خارجی (دولتی) همراه نیست قاعده حقوقی بشمار نمی‌آید.

ب - قاعده حقوقی ضمانت اجرا دارد که ممکن است این تضمین الزام متخلف به جبران خسارت باشد یا بطلان عمل حقوقی انجام شده یا اجرای مستقیم آن توسط نماینده دولت یا مجازات بدنی و مالی مجرم

ج - کلی و عمومی بودن: قاعده‌ای حقوقی است که مصادیق آن زیاد باشد و مقید بر شخص معین نباشد مانند قاعده لزوم تساوی همه مردم در برابر قوانین که در اصل ۵۸ قانون اساسی ذکر شده است. همچنین قاعده حقوقی مربوط به زندگی اجتماعی است بنابراین قواعد مربوط به زندگی فردی مانند بسیاری از مقررات شخصی راجع به سلامت روح و جسم افراد خارج از قواعد حقوقی است.

۶/۱ - شاخه‌های حقوق

الف - حقوق عمومی

مجموعه‌ای از قواعد حقوقی که هدف آن منافع عمومی است که معمولاً با دخالت دولت ملازمه دارد پس مقررات حاکم بر دولت و روابط اجزاء آن با مردم تا جایی که در مقام اعمال حاکمیت و اجرای اقتدار عمومی است را حقوق عمومی گویند مانند حقوق اداری که در مقام بیان باید و نبایدهای حاکم بر روابط میان اداره و مردم و اداره و کارمندانش و با سایر ادارات است.

ب - حقوق خصوصی

مجموعه‌ای از قواعد حقوقی که هدف آن تنظیم روابط حقوقی خصوصی اشخاص است مانند روابط خانوادگی که در حقوق مدنی از آن بحث می‌شود.

۷/۱ - منابع اصلی و فرعی حقوق اساسی

الف - فرامین و اعلامیه‌های بنیان‌گذاران حکومت (رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در حقوق اساسی ایران)

ب - قانون اساسی و اصلاحیه‌های آن.

ج - تفسیرهای مربوط به اصول قانون اساسی (در ایران تفسیر شورای نگهبان)

د - قوانین بنیادی که با اجازه قانون اساسی توسط قانونگذار به تصویب رسیده است مانند قانون انتخابات و قانون احزاب.

ج - آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های اداری که در اجرای قوانین بنیادی به تصویب مقامات اجرایی رسیده است.

د - آراء محاکم قضایی راجع به حقوق بنیادی و اساسی.

ه - عرف و عادت و رسوم سیاسی.

و - مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی پیرامون

مقررات فوق.

ز- نظرات دانشمندان حقوق راجع به موارد فوق.

۸/۱- جایگاه حقوق اساسی در نظام حقوقی

حقوق اساسی پایه و مبنای حقوق عمومی می‌باشد زیرا در آن از اصلی‌ترین آرمانهای مردم و چگونگی اعمال حق تعیین سرنوشت (حاکمیت) آنها بحث می‌شود. و کلیه مقررات کشور بایستی منطبق با آن باشد بهمین جهت کلیه قوانین مصوب مجلس از حیث انطباق با قانون اساسی بایستی قبل از اجراء به تایید شورای نگهبان برسد و راجع به سایر مقررات نیز هر شخص می‌تواند تقاضای بطلان آنرا بجهت مخالفت با قانون اساسی بنماید و دیوان عدالت اداری پس از کسب نظر شورای نگهبان متناسب با آن اقدام می‌نماید. بنابراین حقوق اساسی و بطور اخص قانون اساسی بر کلیه مقررات کشور برتری دارد و در رأس سلسله مراتب قواعد حقوقی است.

۹/۱- تاریخچه حقوق اساسی در ایران

گرچه پیشینه حقوق اساسی به معنی مصطلح امروزی به مغرب زمین برمی‌گردد ولی از آنجا که هر حکومتی قطعاً با نظام سیاسی متناسب با خودش قرین است و اولین حکومت‌های متمرکز بشریت در ایران باستان شکل گرفته بنابراین تاریخ حقوق اساسی ایران به گذشته بسیار دور بر می‌گردد و گرچه از آن دوران منابع چندانی در دست نیست ولی حکومتها و نهادهای سیاسی با گرایش‌های عدالت‌خواهانه زیادی وجود دارد که قابل تحلیل و بررسی می‌باشد حکومت‌های باستانی ایران عمدتاً بصورت استبدادی و بر مبنای نظام باج‌گیری از ولایات بنا شده بود تشکیلات دیوان هخامنشیان و ساسانیان و برخی اصلاحات و احیای حقوق عمومی و آزادیهای فردی در این دوران نشان از تحول حقوق اساسی ایران باستان است.

پس از ورود اسلام به ایران به حقوق فردی و جمعی و آزادیهای فردی توجه خاصی شد و بسیاری از ایرانیان در مقامات مهم مملکتی جای یافته و تجربه خود را به حاکمان مسلمان منتقل کردند ولی معمولاً دولتها جنگ محور بوده و حکومتها در دست فاتحان دست به دست می‌شد. در این نظام سردار سالار، فضای مناسب برای رشد نهادهای مترقی حقوق اسلامی فراهم نبود این اوضاع تا دوران صفویه ادامه داشت در این تاریخ بود که اندک فرصتی برای رشد نهادهای سیاسی و حکومتی فراهم شد به این ترتیب برای اولین بار نهاد صدر بر سلطنت نظارت داشت و حسب و مظالم تقویت شد دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی متداول گشت بعنوان نمونه بزرگ

عالم عصر صفوی (محقق کرکی) در جهت حمایت از حقوق شهروندی (شهروندان اهل سنت) و به نشانه اعتراض به کشتار بی رحمانه علمای اهل سنت مهاجرت کرد. تفکیک قوا بطور نسبی اجرا شد و تقسیمات کشوری شکل رسمی گرفت. مقررات و آئین شهریاری مدون شد و کتب فراوانی در رابطه با وظایف و اختیارات حاکم نگاشته شد.

پس از آن حقوق اساسی به افول گرایید تا دوران ناصری که کم کم افکار روشنگری رواج یافت بعنوان نمونه به فرمان ناصری (۱۳۰۵ قمری) می توان اشاره کرد که بموجب آن جان و مال همه اتباع ایران تا زمانی که محکمه صالحی حکمی صادر نکرده باشد در امان است. با جنبش تحریم تنباکو آگاهی های عمومی گسترش یافته برای نهضت مشروطیت فراهم شد.

با فرمان تأسیس عدالتخانه و سپس تصویب قانون اساسی و افتتاح اولین مجلس شورای ملی در پی مشروطیت حقوق اساسی به شیوه مدرن وارد صحنه سیاسی کشور شد.

از ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ تا ۷۲ سال بعد (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) تحولات اساسی در نظام سیاسی کشور ایجاد شد که تفصیل آن از حوصله بحث ما خارج است. لذا با گذر از این مقطع مهم و حساس به حقوق اساسی جاری می پردازیم.

فصل دوم: دولت

۱/۲ تعریف دولت:

اصطلاح دولت بمعنی امروزی آن از اوایل قرن ۱۶ میلادی در برخی کتب سیاسی رایج شد. کلمه دولت در حقوق اساسی معاصر به مفاهیم زیر بکار می رود:

الف- دولت بمعنی وسیع کلمه به کشور یا جامعه ملی گفته می شود مانند اینکه گفته می شود دولت ایران یکی از اشخاص جامعه بین المللی است. دولت در این مفهوم بمعنی جمعیت معینی است که در سرزمین معین تحت حکومت خاصی زندگی می کنند. به این مفهوم دولت کشور نیز اطلاق می گردد.

ب- دولت بمعنی محدود کلمه به قدرت سیاسی یا حکومت گفته می شود که یکی از ارکان تشکیل دهنده دولت بمفهوم قبلی می باشد. اگر می خوانیم که دولت در اقتصاد مداخله می کند یا مالیات می گیرد منظور دستگاه حکومتی یا جمع کار گزاران است که بوسیله نیروی قاهره خود اراده حکومت را بر آحاد جامعه تحمیل می کند.

ج- دولت بمعنی محدودتر فقط شامل قوه مجریه می شود مثلاً اینکه گفته می شود رئیس جمهور رئیس دولت است یعنی رئیس قوه مجریه است.

۲/۲- عناصر تشکیل دهنده دولت (دولت کشور)

الف- جمعیت (عنصر انسانی): مجموعه افرادی که پیوندها و همبستگی های معنوی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان را به یکدیگر مرتبط کرده بنحوی که در جهان بعنوان یک ملت شناخته شوند جمعیت نام دارد.

ب- سرزمین (عنصر مادی) عبارت است از قسمتی از خاک آب و فضا که جمعیت در آن سکونت داشته و دولت بر آن فرمانروایی می کند.

ج- قدرت عالی (عنصر معنوی) دولت عالی ترین گروه اجتماعی است زیرا قدرت دولت سازمان یافته ترین، نیرومندترین و عالی ترین قدرت اجتماعی است.

د- شناسایی شخصیت حقوقی دولت- بدون وجود شخصیت حقوقی هیچ شخصی نمی تواند اعمال حقوقی انجام دهد و شخصیت حقوقی دولت که لازمه حیات او می باشد با شناسایی آن در داخل و خارج امکان پذیر می شود شخصیت حقوقی دولت کشور گاهی بر اثر فتح و غلبه کشوری بر کشور دیگر از بین می رود.

۳/۲- انواع دولتها

۱- بلحاظ یکپارچگی

الف- دولت بسیط - که تمام اتباع آن از یک مرکز فرماندهی تبعیت می کنند و مقررات واحدی بر کشور حکومت می کند مانند نظام سیاسی ایران، فرانسه، انگلیس، ژاپن، نروژ و سوئد.

تقسیم دولت بسیط بلحاظ تمرکز قدرت و تفویض اختیار

دولت متمرکز و غیرمتمرکز - دولتهای بسیط به دو صورت متمرکز و غیرمتمرکز اداره می شوند در نظام متمرکز اداری تمام امور توسط مأمورین مرکزی اداره می شود. ولی در نظام غیرمتمرکز بمنظور سبک کردن وظایف مرکز، امور خدماتی و اداری به واحدهای محلی واگذار می شود گرچه امور قانون گذاری، قضایی و امور سیاسی و بین المللی در اختیار مرکز قرار دارد.

ب- دولت مرکب- در دولت مرکب هر بخش از کشور دارای حاکمیت سیاسی جداگانه است یعنی از قوه مقننه ، مجریه و قضائیه ویژه خود برخوردار است مانند دولتهای عضو دولت فدرال در جمهوری فدرال ایالات متحده.

۴/۲- منشاء حاکمیت دولت

دولت دارای عالی‌ترین قدرت سیاسی بوده و بر کلیه قدرتهای اجتماعی با وسایل مادی و معنوی برتری دارد و اراده خود را بر آنان تحمیل می‌کند در بعد خارجی به دولت دارای حاکمیت دولت مستقل می‌گویند. بنابراین حاکمیت و استقلال دو نمای یک وضعیت حقوقی می‌باشند.

الف- نظریه حاکمیت تئوکراتیک- حاکمیت مختص خداست و ماوراء اراده بشر می‌باشد و بشر هیچ نقشی در ایجاد و اجرای آن ندارد. در طول تاریخ این نظریه سه دوره مهم را سپری نموده است.

۱- دوره فرمانروایی خدایی به این تعبیر که فرمانروایی از آن خدا یا خداوندان است و پادشاه فرعون و مانند آن خود خداست.

۲- دوره فرمانروایی بنا بر گزینش خدا که پس از ظهور مسیحیت توسط ارباب کلیسا رواج بیشتری یافت به این معنی که فرمانروایی بر کل جهان طبیعی و انسانی با خدا است که به برگزندگان خود واگذار نموده و این حاکمان فقط در برابر خداوند مسئول می‌باشند. عقیده فرمانروایان هخامنشی و ساسانی نیز بر این بود که پادشاه از فره یزدانی برخوردار بوده و فرمانروایی حق اعطا شده به او و حق مسلم و قطعی اوست.

۳- دوره فرمانروایی بنا به مشیت و اراده الهی به این بیان که مشیت فرمانروایی مطلق هستی (خداوند) بر این قرار گرفته که تعیین حاکمان با اراده آراء انسانها باشد یعنی خدا مستقیماً در امر حکومت دخالت نمی‌کند و چون خداوند عادل است فرمانروا نیز مکلف به رعایت عدالت و سایر احکام الهی است. این نحوه برداشت و گرایش از نظریه تئوکراتیک به دموکراسی نزدیک است و اغلب به آن دموکراسی می‌گویند. برخی گروههای سیاسی معاصر غربی بخصوص احزاب دموکرات مسیحی از آن تبعیت می‌کنند از اصل ۵۶ قانون اساسی کشورمان نیز اینچنین برمی‌آید در ابتدای این اصل آمده است که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است...»

ب- نظریه حاکمیت دموکراتیک (مردم سالاری) این نظریه براساس تفکر انسان محوری

در مقابل خدامحوری و همچنین تساوی و آزادی و برابری کلیه انسانها بنا شده است به این ترتیب تعیین فرمانروا و حق تعیین سرنوشت با انسانها است که گاهی از آنها با تعبیر مردم و گاهی با تعبیر ملت یاد شده است بنابراین گروهی به حاکمیت مردم و گروهی به حاکمیت ملی معتقدند نظریه دوم در واقع برای مقابله با نظریه اول (حاکمیت مردم) ابداع شد تا مانع مشارکت گسترده آنان در امر حاکمیت شود پس از انقلاب کبیر فرانسه این نظریه مطرح و حاکم شد ولی بعلاوه تبعات بد آن بزودی جای خود را به تئوری حاکمیت مردم داد.

فصل سوم: انواع حکومتها

حکومتها بجهت مختلف تقسیم می شوند:

الف- برحسب چگونگی تعیین فرمانروا- حکومتها یا استبدادی هستند یا دموکراسی. در حکومت استبدادی مردم هیچ نقشی در انتخاب و چگونگی حکمرانی حاکم ندارند مانند حکومتهای دیکتاتوری یا پادشاهی خودکامه.

برخلاف نوع قبل حکومت دموکراسی و مردم سالاری است که مردم در حکومت به طرق مختلف دخالت دارند دموکراسی گاهی بصورت مستقیم و با دخالت مستقیم مردم جریان می یابد و گاهی بصورت غیرمستقیم و از طریق اجرای سیستم انتخابات اجرا می شود و در برخی کشورها با ترکیب دو حالت فوق دموکراسی جریان دارد یعنی گاهی مردم با رفراندوم (همه پرسی) یا ابتکار عمومی در پیشنهاد طرح قانون به مجلس یا توی عمومی و ابطال مقررات مصوب مجلس یا تایید عمومی (بله بیست) مقامات سیاسی مستقیماً در تعیین سرنوشت خود وارد می شوند (اعمال حاکمیت می کنند) و در سایر موارد از طریق نظام انتخابات با واسطه نمایندگان این کار انجام می شود.

گاهی حکومتها با پذیرش محدودیتها و شرایطی از استبدادی به دموکراسی میل پیدا می کنند که به آنها نظام مشروطه می گویند. و گاهی برعکس با وضع مقررات و انجام اقدامات غیر اصولی حکومت مردم سالار را استبدادی می کنند به جهت ممانعت از چنین وضعی در قانون اساسی کشورمان آمده است که: محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و اثنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء

عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

ب- بر حسب چگونگی انتخاب مردم - در دوران معاصر حکومت مردم بر مردم بهترین نوع حاکمیت تلقی میگردد بنابراین در نظام‌های دموکراسی رایج ممکن است دولت با شکل جمهوری یا سلطنت محدود و پارلمانی (در دموکراسی لیبرال) با اراده گروه معدودی از برگزیدگان جامعه (مانند نظام‌های کمونیستی و یا آریستوکراسی) همراه باشد جمهوری حکومتی است که مردم بطور مستقیم (یک درجه‌ای) و یا توسط نمایندگان و غیر مستقیم (دو درجه‌ای) نمایندگان خود را برای مدت معین انتخاب می‌نمایند حالت اولی مانند انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در کشورمان و انتخاب نمایندگان کنگره در آمریکا و حالت دوم مانند انتخاب رئیس جمهور در آمریکا. حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد. نشانه خوبی از مردم سالاری دینی در قرن بیستم می باشد.

راههای دیگر اعمال اراده مردم بشرح زیر است:

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه

۱- انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها

و نظایر اینها

۲- یا از راه همه پرسی: در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

۳- شوراها: طبق دستور قرآن کریم: "و امرهم شوری بینهم" و "شاورهم فی الامر"

شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند.

۴- سیستم نظارت همگانی: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و

- پنهون عن المنکر". و بر این اساس دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مردم سالاری دینی، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:
- ۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
 - ۲ - بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.
 - ۳ - تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
 - ۴ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
 - ۵ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.
- ج- برحسب پابندی به ایدئولوژی و دین - گاهی حکومت لائیک بوده و خود را ملزم به دین خاصی نمی داند و گاهی خود را مقید به دین و ایدئولوژی مشخصی می نماید مانند حکومت اسلامی که ممکن است بشکل جمهوری یا شکل دیگری اداره شود. در قانون اساسی کشورمان می خوانیم که: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. همچنین حاکم در حکومت دینی ما شخصی است که نسبت به بقیه از اسلام آگاهی و عمل بهتری داشته باشد. بنابراین در زمان غیب حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است.

فصل چهارم « حقوق بشر »

حقوق بشر از امور زیربنایی و بحث برانگیز و پر مناقشه حقوق اساسی بوده و جهان بینی هر نظام حقوقی نسبت به آن پایه عمده سایر مباحث است بنابراین تبیین آن لازم بنظر میرسد.

تاریخچه توجه به حقوق بشر

گویا کمال بشر سه مرحله دارد ابتدا در نفی و سپس اثبات و بعد رشد و کمال است و این یک قاعده کلی بشمار می آید. ابتدا نفی بدی ها (نفی غیر خدادر شعار توحید یا نفی عادات زشت و محرّمات در اخلاق) سپس اثبات و انجام خوبی ها (اثبات خدای واحد در شعار توحید یا ایجاد عادات نیکو و انجام واجبات در اخلاق) و سپس حرکت تکاملی (تبیین صفات نیکوئی

ذات احدیت یا رشد فضایل وانجام کلیه اوامر ونواهی در اخلاق) سیر حرکت انسان است.

مشابه این وضعیت در ابتدا حقوق بشر دولت و قدرتهای غیر فرد را از دخالت در شئون

زندگی شخصی بازداشت و حقوق فردی و آزادیهای مدنی را پیگیری نمود سپس در مرحله اثبات به حقوق کامل فردی و جمعی امنیت اجتماعی نزدیک شده و از فردگرایی افراطی دور می شود پس از آن در مرحله کمال (نسل سوم) با گذر از جامعه محدود اطراف خود، با دید جهان شمولی به حقوق بشر می نگرد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که سند پایه ای برای حقوق بشر مدرن است در واقع واکنش جهان خسته از جنگ و ظلم است به سیاست و ایدئولوژی دولتهای محور و همچنین نتیجه جدال آمریکا و شوروی در ایجاد نظم نوین جهانی است مباحث عمده این اعلامیه پیرامون نسل اول حقوق بشر (حقوق فردی و آزادیهای مدنی) است. پس از آن شوروی و برخی کشورهای بلوک شرق و همچنین جهان سوم حقوق جمعی (نسل دوم حقوق بشر) را مطرح نمودند، با توجه به ناتوانی حقوق بشر نسل دوم در بیان آرمان کشورهای در حال توسعه، حقوق بشر نسل سوم ظهور پیدا نمود. این دسته از حقوق بشر در واقع پاسخی به تضاد میان مالکیت و منافع مذکور در حقوق نسل اول و برابری نسل اول و دوم می باشد.

در ادامه اعلامیه حقوق بشر و پس از مناقشات فراوان دو میثاق بین المللی راجع به حقوق بشر نسل اول (اعلامیه جهانی حقوق بشر) و حقوق بشر نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و پس از آن چندین عهدنامه مورد توافق قرار گرفت که همگی بعنوان ابزار اصلی حقوقی در حمایت از حقوق بشر شناخته می شوند. در قاره آمریکا علاوه بر اعلامیه حقوق بشر، در کنفرانس بوگوتا Bogota برای اولین بار حقوق فردی و جمعی توأمآ مورد اشاره قرار گرفت پس از آن سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۹۹ بر مواضع قبلی (حقوق فردی و جمعی توأمآ) تاکید کرد. در سطح آسیا گرچه اعراب در سال ۱۹۹۴ منشور حقوق بشر عرب را ارائه نمودند ولی در قوانین داخلی آنها نمودی نداشته است. هندو چین و ژاپن نیز خود را از سایر مردم قاره آسیا متفاوت می دانند بنا بر این تا این تاریخ هیچ عهدنامه آسیایی راجع به حقوق بشر تدوین نشده است. در عالم اسلام، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، در اجلاس سال ۱۹۹۰ قاهره که بر اساس پیش نویس اجلاس تهران تنظیم شده است به موارد مهمی اشاره دارد، بهر حال حقوق و آزادیهای مذکور در اعلامیه و میثاقین اکنون حالت قواعد آمره (Jus cogens) یافته و جزء حقوق عرفی بین المللی است و نیازی به اعلامیه بعدی ندارد.

نسل های حقوق بشر

بر اساس فرهنگ حقوقی رایج حقوق بشر سه (نسل) مرحله دارد در مرحله اول بشر از ستیز با حکومت های مستبد حاکم در اثبات حقوق و آزادیهای فردی خویش تلاش کرد. این مرحله با اعلامیه حقوق ویرجینیا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) شروع و با قانون اساسی ۱۸۳۱ بلژیک در اروپا و سپس سایر کشورها رایج شد. تاکید بر آزادیهای فردی در کشورهای غیر غربی (خصوصاً کشورهای کمونیست) پایه های حکومت را تضعیف نمود. توافقات سیاسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر زمینه تصویب مقررات حقوق بشر شورای اروپا و سازمان ملل و سایر قوانین دول عضو سازمان ملل شد. در ماده یک این اعلامیه به برابری ذات و حیثیت انسانی (dignity) و حقوق برابر اشاره شده است و در ماده ۲۰ به حقوق و آزادی فردی می پردازد و در ماده ۲۱ به مشارکت سیاسی و پس از آن به سایر حقوق اقتصادی اجتماعی اشاره دارد و در ماده ۲۸ به حق برقراری نظم که ضامن حقوق بشر است اشاره دارد. گرچه منشور اروپایی حقوق بشر و قوانین اساسی برگرفته از فلسفه لیبرال سنتی بر حقوق و آزادیهای فردی و تضمین حمایت از آنها از مداخله دولت و همچنین بر مشارکت سیاسی عمومی تاکید دارد ولی حقوق اقلیت ها مشابه منشور آمریکائی تا این اواخر ناشناخته و مبهم بود

در مرحله دوم حقوق بشر با توجه به حقوق جمعی مسئولیت حفظ و تامین رفاه و امنیت مردم در زمینه حقوق فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و وظیفی را بعهده دولت گذاشت. از ابتدای قرن بیستم (۱۹۱۷) در شوروی حقوق اجتماعی و اقتصادی به حقوق بشر اضافه شد. در نتیجه تحولات قرن بیستم وعدم حصول نتیجه مطلوب ملتها از حقوق بشر، نسل جدیدی ظهور یافت که در قانون اساسی جمهوری چهارم فرانسه و جمهوری فدرال آلمان و پرتغال و اسپانیا پس از سپری شدن دوران دیکتاتوری شاهد آن هستیم بطور کلی توجه به حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اکثر کشورها دولت فردی را به دولت اجتماعی تبدیل نمود. جالب این است که برخی از کشورها چون ایالات متحده این سری حقوق را در قانون اساسی خود وارد نکردند و علیرغم تمایل تمام جوامع غربی و غیر آنها حتی در سطح جهانی توافقنامه خاصی که اجرای این حقوق را تامین نماید تنظیم نشده است. بسیاری از متفکران غربی بر این باورند که خدمات اقتصادی اجتماعی جزء حقوق اساسی نیست گرچه در قانون عادی بایستی راجع به آن تصمیم گیری شود ولی از طرف دیگر در عمل این گونه حقوق، نظام حقوقی کشورهای غربی راترقی داد، دیدگاه حامیان قدرتمند حقوق بشر نسل اول فرد گرای افراطی و جهان شمول بود در این حالت حقوق جمعی به حاشیه رانده شده و از اهمیت کمتری برخوردار گردید.

در مرحله سوم بشر را در تمام گیتی دارای یک روح در نظر می گیرند که اگر محیط زیست و یا توسعه یا صلح در گوشه‌ای از آن تامین نشود نگران کننده است بنا بر این جوامع و کشورهای برخوردار بایستی سهم خود را نه تنها برای مردم خود بلکه برای بشریت ایفا نمایند. در جهان نامتعادل و در نتیجه تعامل ملل شمال و جنوب نسل سوم حقوق بشر بعنوان حقوق همبستگی ظهور یافت. این دسته از حقوق در واقع واکنش کشورهای جنوب به تهاجر ملل متمدن به حقوق بشر نسل اول (حقوق و آزادیهای فردی) و نسل دوم (حقوق فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) بود. در این مرحله که به حقوق همبستگی شهرت دارد برحق صلح - حق توسعه (البته توسعه همه جانبه و پایدار) و حق محیط زیست پاک با توجه به حقوق نسلهای آینده تاکید شده است.

گر چه سابقه تاریخی رضایت بخش نیست، در نیمه اول قرن بیستم که سازمان ملل نبود ولی آرمان حقوق بشر در اروپا و آمریکا بسیار پر رونق بود میلیونها نفر بی گناه طعمه جنگ شده و کارگران زیادی در اروپا و سایر کشورها برای فروکش کردن عطش ثروت اندوزی مستکبران استثمار شدند و پس از تجربه تلخ جنگهای جهانی و ایجاد سازمان ملل متحد در نیمه دوم قرن از آمار کشته ها و انسانهای به ذلت کشیده شده کاسته نشد گرچه ملل غربی از آرامش و رفاه برخوردار شدند ولی وضع جهان سوم (جنوب) بسیار اسف بار بود. ولی با توجه به ناتوانی حقوق بشر نسل دوم در بیان آرمان کشورهای در حال توسعه، حقوق بشر نسل سوم ظهور پیدا نمود. این دسته از حقوق بشر در واقع پاسخی به تضاد میان مالکیت و منافع مذکور در حقوق نسل اول و برابری نسل اول و دوم می باشد.

حقوق و تعهدات ناشی از معاهدات حقوق بشر

با توجه به توضیحات فوق (علاقه وافر غرب به حقوق بشر نسل اول) میثاق مدنی سیاسی متضمن تعهدات سخت و شدیدی برای دولت است در حالی که میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در سطح تبلیغات باقی مانده است تلقی غرب این است که نسل اول حقوق بشر زمینه ساز نسل دوم است و حقوقی است که قابل مطالبه است و با عدم انجام یا انجام برخی افعال توسط دولت امکان پذیر است ولی تحقق حقوق بشر نسل دوم با مردم است و دولت فقط زمینه سازی می کند. در نتیجه تا مرحله اول حقوق بشر تحقق نیابد نوبت مرحله دوم نمی رسد در عمل حمایت از این دسته از حقوق جنبه سیاسی یافت و برخی مواضع جهانی غیر قابل توجیه شد مثلاً حقوق بشر نمی تواند کیفی تلقی کردن انکار یک قضیه تاریخی (هولوکاست) را در برابر بی تفاوتی مدافعانش در مقابل هزاران قتل عام فجیع تر توجیه کند در حالی که همه انسانها برابرنند

ولی متأسفانه فقط یک قوم پسندیده شده است. بر اساس توضیح فوق تأکید جامعه جهانی بر رعایت حقوق بشر نسل اول در مناطق منتخب جهان قرار گرفت. برابری و عدم تبعیض گرچه در نسل اول جای دارد ولی با جلوه‌های کامل تری در نسل دوم نیز دیده می‌شود. در مرحله اول حقوق بشر، برابری کامل را اجرا نکرد در فرانسه چنین تلقی می‌شد که حقوق مختص مردان سفید پوست است. در سال ۱۹۴۴ زنان در فرانسه حق رای کامل را بدست آوردند هنوز بسیاری از کشورهای مسلمان تساوی کامل حقوق زن و مرد را نپذیرفته‌اند. الگوهای تبعیض در همه زمینه‌ها منع شده است ولی برخی از اشکال آن بدلیل فقدان اجماع جهانی، به معاهده بین‌المللی تبدیل نشده است. مانند تبعیض بر مبنای مذهب که در بسیاری از کشورها بصورت قانونی پذیرفته شده است. اضافه بر اینکه اشکال مختلف که ظاهراً در ماده ۲۶ میثاق منع شده قابل کنترل نیست و بهتر است به حداقل آن (تبعیض مبتنی بر قانون) اکتفا شود.

گرچه بدون شک وجود هر سه مجموعه حقوق برای یک زندگی با کرامت ضروری و لازم است ولی آزادی‌های مدنی برخلاف حقوق نسل دوم عموماً جنبه سلبی داشته و تکلیف خاصی را برای دولت مقرر نمی‌دارد بنا براین بین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک فاصله خاصی وجود دارد که در نحوه رسیدگی و داوری راجع به عملکرد دولت باید مورد توجه قرار گیرد.

حقوق نسل سوم را که به حقوق همبستگی مشهور است بیشتر با حق صلح، حق توسعه و حق محیط زیست پاک و سالم می‌شناسیم که تاکنون فقط در منشور آفریقایی حقوق بشر به آن اشاره شد و از جایگاه حقوقی مستحکمی برخوردار نبوده و هنوز حالت سیاسی دارد. اقدام زیبای حقوقدان سنگالی آقای کبام بای که در یکی از قطعنامه‌های سال ۱۹۷۹ کمیسیون حقوق بشر حق توسعه را بعنوان یکی از حقوق بشر مطرح نمود و نهایتاً منتهی به قطعنامه ۴۱/۱۲۸ سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی در پذیرش آن شد نشان می‌دهد که حضور مؤثر و فعال کشورهای جنوب برای احقاق حقوق خود و تعدیل نظام حقوق مدرن ضروری است. حقوق نسل سوم مشابه حقوق نسل دوم حقوق جمعی است که مطالبه کشورهای در حال توسعه است و کشورهای صنعتی بخشی از آن را قبول می‌کنند مثلاً ایالات متحده در کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ برای اولین بار حق توسعه را پذیرفت گرچه تاکنون نیز ابعاد گوناگون این حق ناشناخته مانده است. حق ذاتی زندگی در صلح نیز از سال ۱۹۷۶ وارد ادبیات حقوق بشر شد و با فروپاشی بلوک شرق از رونق افتاد ولی حق محیط زیست برخلاف دوحق قبلی از سال ۱۹۷۲ که مطرح شد روز بروز گسترده تر می‌شود در سال ۱۹۸۲ مورد پذیرش مجمع عمومی قرار گرفت. با این وجود ابهامات پیرامون

این مرحله از حقوق بشر فراوان است و صاحبان حق و تکالیف سایر اشخاص و دولتها نیز کاملاً شفاف نشده است و در ماهیت (محتوی و مضمون) آن نیز اختلاف زیادی است شاید یک تعریف خوب از حقوق بشر نسل سوم اهداف توافق شده بین المللی باشد. بنا بر این تعریف حقوق بشر نسل اول و دوم باید با هدف تامین صلح و توسعه همه جانبه و پایدار و محیط زیست سالم برای تمام بشریت و تک تک اشخاص اجرا شود و در غیر این صورت استفاده از آن حالت ابزاری یافته و تحقق بخش آرمان بشریت نیست. گرچه دموکراسی به تثبیت و تقویت حقوق بشر کمک می کند ولی این مطلب در اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً نیامده است تا سال ۱۹۶۶ که قطعنامه ای در تعریف دموکراسی صادر شده و با پیشرفت این مفهوم در سالهای اخیر تنها شکل حکومت مشروع دموکراسی تلقی می گردد. در یک اجماع جهانی حکومت های مقتدر که بر مبنای نظریات هابس و ژان بَدن تشکیل شده اند، در شرایط فعلی جهان جایگاهی ندارند و این نکته نیز روشن است که حقوق بشر جزئی از نظام بشری است که نمی توان با دید انتزاعی به آن رسید، بر این اساس همه کشورها مدعی دموکراسی هستند و کشورهای غربی و سازمانهای بین المللی و حتی توده مردم با این معیار دولتها را ارزش یابی می کنند.

اجرای سیاست دولتهای بزرگ

حقوق بشر در جهان معاصر گاهی تئوری توجیه دخالت نظامی، سیاسی و... می شود نسل کشی (کشتار صدها هزار نفر) در رواندا نادیده گرفته می شود و با اقدامات صریحاً بنحوی سابقه ای برخورد شود نیروهای نظامی حافظ صلح حکومت را در اختیار گرفته و دادگاه بین المللی پس از دستگیری سران یوگسلاوی را محاکمه می کند زیرا امنیت بشر اروپایی مهم است و انسان آفریقایی جایی در این معادله ندارد کشتار مسلمانان چچن نادیده گرفته می شود و کشته شدن مشکوک چند نفر در اروپا مقامات بشر دوست محاکم اروپایی را آزوده خاطر می کند بطور کلی قدرتهای بزرگ با سوء استفاده از احساسات و وجدان عمومی دقیقاً اهداف گذشته خود را با ابزار جدید تعقیب می کنند هنوز در فرهنگ غربی آسیایی و شرقی به تهدید زرد و آفریقایی به سیاه زنگی و مسلمان به بنیادگرا و تروریست شناخته می شود این در حالی است که طی سالیان دراز غریبها بزرگترین اختلاف انداز در جهان سوم و بزرگترین فروشنده سلاح و مواد مخدر بوده هستند. اینها همه باعث بی اعتمادی گسترده دنیای جنوب به شمال مدرن شد ولی گذشته از این امور زبان دیالوگ جهان امروز حقوق بشر است و گریز از آن گریز از واقعیت است. غرب با دیدگاه خاص خود هم قانونگذار حقوق بشر است هم هیات منصفه و قاضی و سعی دارد با تحمیل معیارهای خود بر جهان از مفاهیم کلی حقوق بشری

استفاده ابزاری نماید. این درحالی است که حقوق بشر در تمامی فرهنگهای ملل جهان ریشه دارد که بعضاً از فرهنگ غربی بسیار غنی تر نیز می باشند. اما علیرغم سوء استفاده های آشکار و تناقضات رفتاری دول غربی مفاهیم حقوق مدنی سیاسی (حقوق و آزادیهای) فردی در سازمان ملل به تایید کشورها رسیده و اکنون بصورت عرف قطعی (قواعد آمره) درآمده است. جهت اجرای آن به امنیت و توسعه (حقوق بشر نسل سوم) نیاز است و بدون توجه به محیط زیست نمی توان به رفاه و آرامش لازم رسید. این دیدگاه بسیار دقیق و ظریف در دنیای جنوب طرفدار زیادی دارد و اینها همه زمینه این شد که شورای حقوق بشر ایجاد شود،

حق تعیین سرنوشت فرهنگی

حق فرهنگ (بومی) در موارد زیر خلاصه می شود. حق مردم برای توسعه، بهره بردن از آزادی و هویتشان و حذف مالکیت انحصاری و استثماری در جهان و در این راستا دولت تضمین کننده حقوق فرهنگی مردم و توازن بخش حقوق مثبت و منفی است به این دیدگاه دولت پسا استعماری و فدرالیسم فرهنگی نیز می گویند که حق فرهنگ از شکل مالکیت معنوی خارج شده و یک حق جمعی اقتصادی است. پیرو منشور آفریقائی حقوق بشر معروف به بانجول در سال ۱۹۹۴ کنوانسیون حقوق مردم بومی تنظیم شد که مفهوم حق تعیین سرنوشت را بسط داد. در این کنوانسیون به حق مردم برای حفظ هویت خودی و دفاع از آن تحت عنوان منع مجموعه جنایات موسوم به نژادکشی و حفظ حقوق فرهنگی در ارتباطات رسانه ای اشاره شده است. همچنین به حق تعیین اولویت توسط خود مردم در تمام تجلیات فرهنگی توجه دارد که بعضی از آنها بدون رضایت و آگاهی آنها تصاحب شده است (مالکیت معنوی فرهنگی) در واقع این کنوانسیون تلقی فردی از حقوق فرهنگی و فرهنگ را به تلقی جمعی ارتقاء می دهد حق تعیین سرنوشت فرهنگی به این ترتیب ایجاد شد که شامل حق تالیف، علوم هنر و ... می شود و قابل فروش و تجاری شدن نیست. شناسایی این حق در واقع واکنش اقلیتهای بومی با پیشه اقتصادی ضعیف بود که در قرن بیستم در حال حل شدن در چرخه جهانی بودند. در این فضا درگیری شدیدی میان جهان شمولی، خاص نگری یا تنوع وجود دارد که با میل به سلطه بر اقلیت تشدید می شود. در جهان فعلی تاکید بر تفسیر فرد گرایانه از مالکیت معنوی در تعارض با حقوق بشر واقع شده است خصوصاً در اموری که باحیات بشر ارتباط دارند (مانند حق مالکیت در مواد غذایی و حقوق انحصاری تولید کنندگان دارد) سازمان مالکیت معنوی جهانی که پس از ۲۱ پیمان بزرگ بین المللی ۲۷۱ عضو دارد دارای قدرت سیاسی و منابع مالی قابل توجهی در حمایت از حقوق فردی مالکان برخوردار است اولویتهای پنجگانه سازمان در جهت تنظیم

حقوق مالکیت به شیوه آمریکا و اروپا است. گرچه سازمان مالکیت معنوی با دیوانسالاری موجود نتوانسته ارتباط خوبی با سایر سازمانهای بین المللی داشته باشد ولی در داخل سازمان برای ماهیت و سودمندی و پیامدهای حقوق مالکیت معنوی اختلاف است در کل دید نمایندگان سازمان این است که مالکیت معنوی باعث رشد و توسعه جهانی می شود و مکمل حقوق بشر می باشد گرچه در برخی از موارد با یکدیگر تعارض دارند. جهانی شدن اقتصاد و حقوق مالکیت معنوی جمعاً در تضاد با حقوق بشر خاص (حقوق بشر بومی) است در کلیت آن که بدنبال توسعه و مدرنیته کردن جهان است مغایر حقوق بشر نیست. برخی مخالفتها با جهانی شدن (اقتصاد و سیاست) به محیط زیست و بهداشت و دموکراسی بر می گردید که پس از جلب نظر عمومی موافقت نسبی نیز داشتند مانند اینکه تجارت عادلانه بجای تجارت آزاد مطرح گردید و یا به جهت جبران سرقت بیولوژیک جهان سوم (استعمار معنوی) شرکتهای چند ملیتی مکلف به رعایت حقوق مالکیت شیوه های سنتی و جمعی کشاورزان شدند. از طرف دیگر برخی ویژگی های کشورهای جنوب بنام کشورهای توسعه یافته ثبت شد (دزدیده شد). مثل برنج سنتی باسماتی که بنام برنج صنعتی شده، حقوق انحصاری آن بنام یک شرکت آمریکایی ثبت شد بدون اینکه حقوق کشور مبداء (تایلند) رعایت شود. بنا بر این در سیر جهانی شدن اقتصاد، حقوق فردی با حمایت نهادهای قدرتمند مقتدرانه منافع خصوصی را تعقیب می کند و مدافعان حقوق مردم در این مسیر در تلقی مدرنیته و توسعه تغییر می دهند.

دولت و فعالان غیر دولتی حقوق بشر

دو عنصر اصلی بحث حقوق بشر یعنی دولت و فعالان غیر دولتی حقوق بشر می باشد که بر اثر سوء برداشت، طرفین در مقابل هم قرار گرفته اند در حالی که بایستی در کنار هم باشند. منطق حکم می کند که دولت شرایط و زمینه مناسب برای احقاق حقوق بشر و تحقق دموکراسی رافراهم نماید و فعالان حقوق بشر نیز دولت را در تحقق اهداف مذکور یاری رسانند ولی در عمل دول غربی بخصوص ایالات متحده با کمکهای مالی و فکری و حتی نظامی با اهداف سلطه جویانه برخی از این اشخاص و گروهها را تحت نفوذ خود قرار داده و دولتها نیز با اتخاذ رویه اقتدار گرایی (خصوصاً پس از جنگ سرد) فعالان حقوق بشر را ستون پنجم دشمن دانسته و دولت را مدافع منافع ملت می دانند و از آن طرف فعالان نیز دولت را دشمن حقوق بشر و در برابر حقوق مدنی مردم می دانند و تمام تلاش خود را بر تضعیف کردن آن متمرکز نموده اند، در حالی که با منطق صحیح، دولت را بعنوان عامل محوری و بازیگر اصلی صحنه بین المللی برای تغییر معادله موجود می توان در نظر گرفت.

جمع بندی (از حقوق بشر تا حکمرانی مطلوب جهان)

سه عامل در شکل گیری حقوق بشر نقش اساسی داشت:

- ۱- موازنه ژئوپولیتیک قدرت
- ۲- تنازع برای یافتن راههای اصلی بقا
- ۳- مسابقه تسلیحاتی

در نتیجه علیرغم هیاهوی جهان مدرن در دفاع از حقوق بشر اعلامیه مصوب تا سال ۱۹۷۶ که میثاقین لازم الاجرا شد فقط جنبه سیاسی و تبلیغاتی داشته و فاقد جنبه حقوقی بود.

ایالات متحده که به جنبه غیر الزام آور بودن اعلامیه نظر داشت تا ۲۰ سال بعد مانع شکل گیری اسناد حقوقی مناسب برای اعلامیه شد تا در نهایت در سال ۱۹۷۶ میثاقین (پیمان نامه ها) لازم الاجرا شدند که میثاق مدنی سیاسی مورد حمایت آمریکا و اروپای غربی بود و بعداً ساز و کار بهتری پیدا کرد و کمیسیون حقوق بشر توجه خاصی به آن داشت و دیگری (میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) که مورد نظر شوروی و جهان سوم بود و عملاً این صف بندی موجب ناکارایی میثاق دوم گردید. در اجرای میثاق اول نیز اشکالاتی پیش آمد بعنوان نمونه آزادی عملی افراد بجهت حفظ منافع عمومی محدود شد (سانسور مک کارتیسم) برخی از حقوق که در اعلامیه نارسا ذکر شده بود نهایتاً در میثاق روشننگری شده است (مانند حقوق اقلیتها) پیمان نامه (میثاق) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به همراه میثاق قبلی تصویب شده بود سرنوشت ناگوارتری داشت.

اولاً از ابتدا منابع مالی برای تشکیل کمیته اولیه تامین نشد.

ثانیاً کشورها برای ارائه اطلاعات لازم همکاری نکردند

پس از فرو پاشی شوروی موضع جهانی این میثاق بیشتر تضعیف شد تا اینکه مباحث حقوق اقتصاد بین المللی مطرح و با حمایت کشورهای در حال توسعه مفاهیم این میثاق احیا شد حق تعیین سرنوشت اقتصادی و نگرش جدید به مالکیت بخصوص مالکیت معنوی از مباحث عمده این پیمان نامه می باشد.

در ادامه این تلقی جهان، نهادهای مالی و بازار مادی نیز وارد عمل شده اند.

بانک جهانی حکمرانی مطلوب را دارای اوصاف زیر می داند:

- ۱- دارای سیاستگذاری قابل پیش بینی، آشکار، روشنگرانه (شفاف).
- ۲- دیوان سالاری حرفه ای
- ۳- قوای اجرایی پاسخگو

۴- جامعه مدنی فعال در مشارکتهای عمومی

صندوق بین المللی پول نیز توصیه‌هایی مشابه بانک جهانی برای ایجاد حکمرانی مکلف ارائه می‌دهد بطور کلی سیاست سازمانهای بزرگ معطوف به حکمرانی مطلوب (دموکراسی) است و این یعنی یک گام بسوی همگن سازی و جهانی شدن حقوق بشر و حکمرانی مبتنی بر آن. مفهوم این توصیه‌ها عبارتند از مسئولیت، شفافیت، مبارزه با فساد، مشارکت سیاسی شهروندان و اصلاحات حقوقی و قضایی است.

موضع حقوق اساسی ایران در برابر حقوق بشر

حقوق بشر از مهمترین مباحث حقوق اساسی ایران است. بسیاری از مواد منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بین المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مهمترین اسناد حقوق بشر جهانی هستند، در قانون اساسی ایران و سایر مقررات مربوطه آمده و گاهی مقرراتی کاملاً مغایر آن وضع شده است چرا که آن ضوابط مغایر حقوق الهی بوده‌اند. در مورد رابطه حقوق بشر و اسلام چهار نظریه مطرح است:

اول- (بی اهمیت بودن حقوق بشر) اسناد حقوق بشر جهانی بسیار بی اهمیت است،

آموزه‌های دینی ما، بسیار غنی تر از اسناد بین المللی راجع به حقوق بشر است گرچه ما از آن غفلت کرده ایم ولی از مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر بی نیاز هستیم.

دوم- (حقوق بشر جهانی جزء کوچکی از حقوق و تکالیف انسانهاست) در اسلام راجع

به حقوق انسانها، حیوانات و حتی نباتات و جمادات مطلب داریم و حقوق انسانها نیز بطور کاملتر بیان شده است.

سوم- (دین مغایر حقوق بشر است) عده‌ای با توجه به مغایرت برخی احکام الهی (مثل

مجازات ارتداد و احکام حقوقی خاص زنان و...) بر این عقیده‌اند که دین مخالف حقوق بشر به معنی امروزی آن است.

چهارم- (اسلام با حقوق بشر متداول تعارض ندارد) این دیدگاه حقوق بشر (به نحو

حقیقی نه به شکل سیاسی آن) و همچنین دین را با بیانی نو، با توجه به فقه پویا و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، بر اساس نظریه فقهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) مطرح میکنند به این معنی هم می توان مسلمان معتقد بود هم مدافع حقوق بشر.

در تشریح این نظر بایستی به موارد زیر توجه کرد.

اولاً مفاهیم حقوق بشری با محتوا و شکل جدید بهیچ وجه در گذشته مطرح نبوده و از ابداعات انسان معاصر است. ثانیاً در نگاه متداول دینی خصوصاً در بخش فقه شاهد اختلاف ظاهری زیادی با حقوق بشر هستیم. (دیدگاه سنتی و فقه قدیم در مقابل تئوری حکومت ولایت فقیه مطرح شده از سوی امام خمینی (ره) و فقه پویا) ولی در نظریه جدید این اختلاف اندک است. نظریه امام راحل (ره) بر پایه تفکر منطقی خوبی پایه گذاری شده است. برخی از اصول این دیدگاه عبارت است از:

۱- اندیشه حقوق بشر همانند هر اندیشه بشری نقد پذیر و قابل ارزیابی است.

۲- اندیشه حقوق بشر حاصل خرد جمعی بشر است و جغرافیا ندارد.

۳- حقوق بشر با برداشت دینی به اعتبار مقتضیات زمان و مکان قابل جمع است. بنابراین با اعمال اختیارات حکومتی ولی فقیه و براساس رعایت مصالح جامعه اسلامی اندیشه حقوق بشر و مقررات عام و جهان شمول آن با در نظر گرفتن عزت نظام و کرامت بشری اجرائی می شود.

۴- افراط و تفریط و برداشت نادرست از دین مانع نقد منطقی حقوق می شود. حقوق

بشر، ارشاد به حکم عقل است نه تاسیسی در مقابل آن، بنابراین مغایرتی با اسلام ندارد.

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش دوم: اصول کلی حقوق اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران

فصل اول: اصول بنیادی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی میباشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و در متن میثاق ملی (قانون اساسی) و در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است، ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد). بنابراین اصول مذهبی و اعتقادی در قانون اساسی ایران جایگاه ویژه ای دارد.

۱/۱ اصول اعتقادی:

الف) توحید - ایمان به وحدت جهانی و وحدت صانع و مدیر و هادی در تمام آفرینش (توحید ذات، صفات، افعال، عبادت و حاکمیت) بنابراین حاکمیت فقط مختص خداست و او از انسان بر خودش اولویت دارد و در مقام تعیین تکلیف انسانها حق تعیین سرنوشت آنها را به خودشان واگذار کرده است.

ب- نبوت - ایمان به نقش بنیادین وحی الهی در بیان قوانین که در قالب طرح جامع و کاملی مکتب تجلی یافته است و در نتیجه راه بهتر زیستن و سعادت و تکامل شایسته انسانی را

تبیین می‌کند که مردم از جمهوری اسلامی ایران با انتخاب آزاد قوانین و احکام الهی را برگزیده‌اند.

ج- معاد - اینکه انسان اعتقاد به مسئولیت دار بودن خودش در حیات فردی و اجتماعی داشته باشد در کل زندگی او تأثیر دارد قوانین و همچنین ارزشهای اخلاقی و انسانی با ضمانت اجرای درونی تقویت می‌شوند ایمان به معاد انسانها را به التزام قلبی و عملی به مقررات می‌رساند.

د) عدل الهی - با اعتقاد به اینکه خالق هستی حق هیچ موجودی را پایمال نکرده است و آفرینش جهان براساس عدل و توازن و نظم و بر پایه استحقاقها و قابلیت‌ها بنا شده و اینکه عدالت تشریحی نیز چون عدالت تکوینی وجود دارد انسان به انجام اراده تشریحی خداوند راهنمایی می‌شود.

ه- امامت - امام مظهر هدایت خداوند است که انسان را برای تکامل و رسیدن به شکوفایی کامل همه استعدادهای رهبری می‌کند گرچه بدون هیچ کدام از اصول ذکر شده قبلی مکتب شیعه تحقق نمی‌یابد ولی این اصل بعنوان محوری‌ترین اصل مذهب مطرح می‌باشد که در استمرار آن ولی فقیه جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

۲/۱- اصل کرامت انسانی و ابعاد حرکتی آن

اصل آزادی که بزرگترین هدیه مدرنیته به انسان سنتی غرب بود در مکتب اسلام بگونه‌ای کامل‌تر بیان شده است به این مفهوم که انسان آزادی توأم با مسئولیت دارد در آزادی هم آزادی از قید و بندهای درونی (امیال و شهوات) مراد است و هم آزادی از قید و بند بیرونی، بنابراین کرامت و ارزش والای انسانی منظور نظر قانون اساسی ایران می‌باشد. که از آزادی بیان شده در اسناد جهانی حقوق بشر کاملتر است، فلسفه آزادی انسان، انتخاب آزاد عبودیت خدا و رها کردن خویش از بند عبودیت غیر خداست.

این آرمان بزرگ باعث حرکت انسان و جامعه بسوی کمال واقعی و رشد مکارم انسانی

می‌شود.

فصل دوم: اصول اخلاقی اجتماعی فرهنگی

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف و اصول اعتقادی، همه امکانات خود را برای امور مرتبط به کار برد.

۱/۲ - اصول اخلاقی.

دولت بایستی اقدامات زیر را بمنظور تعالی اخلاق فردی و اجتماعی انجام دهد.

۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲ - بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

۳- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۲/۲ - اصول مربوط به عدالت اجتماعی

حکومت اسلامی مکلف است بمنظور تحقق عدالت اجتماعی امور زیر را در اولویت کاری خود قرار دهد.

۱- پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه.

۲ - تأمین خود کفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۳- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۴ - تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه

مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

۷ - محو هر گونه استبداد و خود کامگی و انحصارطلبی.

۸ - مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.

۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.

۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت

ارضی و نظام اسلامی کشور.

۳/۲ - اصول مربوط به آموزش و پرورش

دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران موظف است در جهت رشد علم و دانش اقدامات زیر را انجام دهد.

۱ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم

آموزش عالی.

۲ - تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

فصل سوم: اصول مذهبی

در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه اسلامی است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده دار حکومت و اداره مملکت می گردند. (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانون گذاری که مبین ضابطه های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می یابد. بنابراین اصول مذهبی در قانون اساسی جایگاه ویژه ای دارد و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله)

۱/۳ - امت واحده اسلامی

به حکم آیه کریمه "ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون" همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

۲/۳ - دین و مذهب رسمی کشور

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

۳/۳ - اقلیت های دینی

علاوه بر آزادیهای مذکور برای فرق اسلامی، همچنین ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی رسمی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل میکنند.

۴/۳ - اصل همزیستی مسالمت آمیز با کلیه ادیان و آراء فکری

گرچه از تمام افکار و عقاید رایج جهان فقط چهار دین به رسمیت شناخته شده است ولی این بمعنی اجبار مردم در پذیرش آنها نیست (لا اکراه فی الدین) بنابر این و به حکم آیه شریفه "لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل چهارم: اصول ملی

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد. و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان بود نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی بر اساس اصول فوق اعلام نمود و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رای مثبت داد. بنابراین حفظ این آرمان وظیفه دولت و مردم می باشد.

۱/۴ - اصل استقلال آزادی وحدت ملی

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

۲/۴ - اصل حضور مردم در جمهوری اسلامی

شروع انقلاب با حضور گسترده مردمی بود و امتداد آن نیز با مردم سالاری دینی است به این جهت در جمهوری اسلامی ایران مردم محور همه امور هستند و با حضور آزادانه ملت در تمام عرصه های اجتماعی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر بصورت همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می باشد. همچنین شرایط و حدود و کیفیت این حضور وسیع و همه جانبه را قانون معین می کند. "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر". علاوه بر این حکم کلی و در اجرای اصل مورد تاکید مشورت "و امرهم شوری بینهم" و "شاورهم فی الامر" شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. با توجه به کلی بودن قانون اساسی موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را قوانین عادی مصوب مجلس یا مجمع تشخیص مصلحت و آیین نامه های اجرایی مرتبط معین می کند.

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش سوم: حقوق اساسی مردم

فصل اول: تساوی

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. حتی عالی ترین مقام دولت کشور (رهبر) در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

۱/۱ - تساوی به اعتبار اشخاص

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

فصل دوم: حقوق اساسی

۱/۲ - حقوق زن

همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در انقلاب به طرز چشمگیری تعیین کننده بود، و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بودپس از آن نیز سهم این بخش مهم اجتماع در جنگ و سایر فعالیتهای جمعی مشهود است در قانون اساسی زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر مورد نظر بوده است. از طرف دیگر خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش آهنگ خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. بنابراین دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱ - ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.

۲ - حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳ - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴ - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵ - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

۲/۲ - حقوق شخصی

برخی از حقوق فردی مورد تاکید قانون اساسی قرار گرفته اند مانند حقوق اشخاص از قبیل حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل که از هرگونه تعرض مصون است. همچنین تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس رانابایستی به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار گیرد. و بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس نیز ممنوع است.

۳/۲ - حقوق اجتماعی

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف عضویت در گروه خاصی از حقوق اساسی منع نمود. همچنین تشکلهای مختلف (احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده) آزادند، اما با توجه به اصول اساسی حکومت این آزادی مشروط به این است که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

۴/۲ - حقوق قضایی

۱- منع بازداشت خودسرانه - دستگیری اشخاص بدون حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. ممنوع است در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۲- منع تبعید خودسرانه - تبعید اشخاص از محل اقامتشان یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع است همچنین نباید افراد را به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

۳- تظلم خواهی - دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور احقاق حق خود به دادگاه های صالح رجوع نماید.

جنبه ایجابی دادخواهی - همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند

جنبه سلبی دادخواهی - هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

۴- حق داشتن وکیل دلخواه - برای ایجاد یک دادرسی عادلانه بایستی کلیه اشخاص حق تعیین وکیل داشته و وکلای انتخابی نیز حق کسب اطلاع کامل از پرونده و انجام دفاع موثر را داشته باشند بنابراین بر اساس قانون اساسی در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر بعلمت مشکلات شخصی توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. (وکیل معاضدتی یا تسخیری)

۵- اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها - هیچ مقامی بجز مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت اجازه ندارد برای اشخاص فعل یا ترک فعلی را بعنوان جرم مشخص و برای آن مجازات تعیین نماید همچنین اشخاص حق ندارند شخصاً مجری عدالت شوند. بنابراین حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۶- اصل بی گناه بودن - در رسیدگی به اتهامات واده به اشخاص اصل، براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد، بنابراین اخبار مربوط به متهمان تا قبل از اتمام رسیدگی قضائی قابل انتشار نیست.

۷- اصل منع شکنجه - در ادامه اصل منع بازداشت خودسرانه هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع بهر بهانه توسط باداشت کنندگان غیر قانونی و همچنین مقامات صلاحیت دار بازداشت کننده ممنوع است. همچنین اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، در حکم

شکنجه بوده و مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار قانونی است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۸- اصل حفظ حرمت متهم و مجرم - اگر شخصی به اتهام جرمی دستگیر شود و یا محکوم شود سلب حقوق فردی وی فقط در حدود قانون مجاز است و ناپستی این شخص با بی حرمتی متحمل مجازات غیر قانونی گردد بنابراین هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد (متهم و یا مجرم) ممنوع و موجب مجازات است.

۹- اصل منع ضرر زدن به غیر - اشخاص در اعمال حقوق فردی خود آزادند اما از آنجا که آزادی بی قید و شرط غیر منطقی است محدوده آن به این ترتیب مشخص شده که هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

۱۰- حق تابعیت - تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است

جنبه سلبی این حق - دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

جنبه ایجابی این حق - دولت نمی تواند تابعیت ایرانی را بر شخص تحمیل نماید مگر به درخواست خود او. بنابراین اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل سوم: آزادیهای اساسی

۱/۱- تعریف آزادی به اعتبار دیدگاهها

الف - دیدگاههای فلسفی - در تاریخ حقوق اساسی ایران، از قدیم عدهای معتقد بوده اند که انسان در اعمال و رفتار خود در مقابل اجتماع از بیش مشخص شده و مردم مجبور به اجرای نقشه طراحی شده خداوند می باشد (شاعره) و عدهای بر آزادی کامل و مطلق انسان قائلند به این معنی که خداوند انسان آزاد آفریده تا در تمام اعمال و رفتار خود آزادانه عمل نماید بنابراین مجبور به اطاعت از هر حکومتی نمی باشد (معتزله) تفکر قانون اساسی ایران با الهام از کلام شیعه به حالت بینابین دو وضعیت فوق قائل است یعنی ضمن قبول عوامل مادی و غیرمادی

مؤثر بر رفتار انسان اختیار او را در گزینش اعمال و رفتار خود منکر نمی‌شود بنابراین دولت بایستی زمینه‌های مادی و غیرمادی را برای تعالی و کرامت انسانی فراهم نماید. تا هم ابزار غیر ارادی بنفع افراد تغییر یابد و هم اشخاص به امور مطلوب تشویق شوند تا با آزادی آنرا انتخاب نمایند. البته اختلاف آراء در این مورد بسیار زیاد است.

ب- دیدگاه عرفانی - یعنی رهایی از تعلقات دنیوی و دل سپردن به خدا و وارستگی از غیر او. این آزادی شخصی و درونی بوده و از حوزه بحث حقوق خارج است.

ج- دیدگاه اخلاقی - به آزادمندی و آزادمردی در علم اخلاق آزادی می‌گویند و از آنجا که دایره علم اخلاق زندگی فردی است (حقوق الگو) و قلمرو حقوق زندگی اجتماعی که دارای الزام و اجبار و ضمانت اجراست (حقوق ضمانت اجرا) این معنی غیر حقوقی بوده و مورد نظر نیست

د- دیدگاه حقوقی - در این دیدگاه منظور از آزادی معنی مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد و هدف قانون اساسی رهایی انسان از زور و استبداد و ظلم و بی‌عدالتی و کمبودها و نارسایی‌های اجتماعی است و همچنین فراهم آوردن شرایط در خور شأن و منزلت انسان است. بنابراین هم از آزادی‌های عمومی و هم از حقوق و آزادی‌های فردی بحث می‌شود پس آزادی بمعنی مجموعه‌ای از حقوق و آزادیها که برای ملت در برابر دولت شناسایی شده است. (حق مطالبه)

۲/۱- انواع آزادی‌های عمومی

در یک تقسیم بندی کلی انواع آزادی‌های عمومی عبارتند از:

الف- آزادی تن (آزادی شخصی)

یعنی انسان در کلیه شئون شخصی خود مستقل و آزاد است مانند اینکه انسان آزادی رفت و آمد دارد و یا حق حیات دارد و ...

ب- آزادی فکر

انسانیت انسان به عقل و فکر اوست بنابراین آزادی بدون آزادی فکر نامفهوم است و مشابه دانستن انسان با حیوانات خواهد بود حقوقی مانند آزادی عقیده و بیان از این اندیشه سرچشمه می‌گیرد.

ج- آزادی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دو گروه آزادیهای فوق مورد تاکید انقلاب کبیر فرانسه و منشور ملل متحد است ولی با گسترش افکار جمع گرایی، آزادیهای گروهی نیز مورد توجه واقع گردید و بعد از آن در یکی دو دهه اخیر و در ادامه آزادی فردی و آزادی اجتماعات، توجه به حقوق نسلهای آینده و توسعه بایدار و همه جانبه و حقوق محیط زیست نیز در محور مباحث آزادی و حقوق بشر قرار گرفت بنابراین آزادی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دسته از آزادیهای است که به اعتبار تعلقهای اجتماعی و مادی بشر در اجتماع دارای آن است مانند حق کار

مشروح انواع حقوق و آزادیهای فردی و عمومی مذکور در قانون اساسی به ترتیب زیر

می باشد:

۱. حق برابری و برادری

این حق مهم و اساسی در اصول ۳-۱۴-۱۹-۲۰-۴۳-۱۰۷ قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است. مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان بنابراین دولت موظف است برای نیل به هدف مذکور، همه امکانات خود را برای محور هر گونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی، تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی، - پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه، تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان بکار بندد. همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند

۲- نفی تبعیض ناروا

این زاویه مهم حقوق و آزادیهای فردی در اصول ۳-۴۳-۱۰۱ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی، ایجاد نظام اداری صحیح و پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت به کار برد.

۳- حق کرامت انسانی

که در اصول ۲۲-۳۹-۱۷۱ به آن اشاره شده است. عبارت است از ارزش گذاری برای ذات انسان از آن جهت که انسان است بدون توجه به تعلقات و عوارض آن مانند تعلقات جسمی (رنگ پوست و...) یا تعلقات فکری و عقیدتی و مشابه آن، حرمت جان، مال، آبرو و کل ذات بشری در حدی است که در صورت اشتباه هر شخصی حتی دولت که واجد حاکمیت قانونی است بایستی جبران خسارت و جلب رضایت کامل بعمل آید بنابراین هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی قاضی شخصاً ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

۴- نفی بردگی و استثمار

این قاعده که در واقع ادامه اصل قبلی است در بند ۱۶ از اصل ۳ و اصل ۱۴۸ و بند ج اصل ۲ و بند ۴ از اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است. بنابراین حکومت اسلامی بر مبنای نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی استوار شده است و در صورت برتری و تسلط ایران بر کشور دیگر دولت بایستی به تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان ملتزم باشد. و رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری را برخلاف رویه رایج در زمان حکومت طاغوت ملاک عمل قرار دهد و هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات دولتی و خصوصاً ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع نماید.

۵- نفی شکنجه و رفتار غیر انسانی

که در اصول ۳۸-۳۹ قانون اساسی آمده و توضیح آن در بحث قبل آمد.

۶- حق احراز شخصیت حقوقی

گرچه با زنده متولد شدن انسان دارای اهلیت قانونی در برخورداری از کلیه حقوق می باشد. (اهلیت تمتع) ولی اثبات این امر به دلیل (شناسنامه یا کارت ملی) نیاز دارد که تابعیت و شخصیت شخص را مشخص نماید بنابراین تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. در غیر این صورت ممکن است شخص بی تابعیت شود.

۷- حق مراجعه به محاکم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

۸- منع توقیف (دوری از حبس و تبعید)

هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۹- حق محاکمه علنی و منصفانه

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد

۱۰- اصل برائت کیفری

اصل بر بی گناهی و براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۱۱- اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها

هیچ عملی را نمی توان جرم دانست مگر آن چه که به موجب قانون جرم شناخته شده باشد و قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود. همچنین مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی به قرار زیر است: ۱- محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی، ۲- اقامت اجباری در محل معین، ۳- ممنوعیت از اقامت در محل معین، ۴- محرومیت از اشتغال شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین یا الزام به انجام امر معین

۱۲- حق امنیت شخصی افراد

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخبرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد. هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۱۳- حق عبور و مرور و اقامت آزاد

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی

تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون شامل

۱- حق پناهندگی و حمایت از پناهندگان ۲- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، میباشد.

۳- حق تابعیت ایجابی و سلبی

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید. اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

۳- حق تشکیل خانواده

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱ - ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.
۲ - حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳ - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴ - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵ - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

۴- حق مالکیت فردی ایجابی و سلبی

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند.

۵- حق آزادی فکر و وجدان، نفی تفتیش عقاید

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

۶- حق آزادی عقیده و بیان

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

۷- حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

۸- حق مشارکت سیاسی

دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به مشارکت کامل سیاسی، همه

امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ۱ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
- ۲ - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
- ۳ - تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
- ۴ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
- ۵ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی. احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته

شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت (اصول ۳-۲۶-۶۲-۱/۴)

۹- حق امنیت اجتماعی

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

برای تأمین امنیت اجتماعی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

- ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
- ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
- ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
- ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.
- ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
- ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
- ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
- ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
- ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و

کشور را به مرحله خود کفایی برساند و از وابستگی برهاند.

۱۰- حق اشتغال و انتخاب کار

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. برای تأمین اشتغال کامل، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱ - تأمین نیازهای اساسی

۲ - تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ - رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

۱۱- حق داشتن اوقات فراغت و امکانات تفریحات سالم

گرچه همه مردم بایستی آنقدر تأمین بوده و گرفتار روزمره گی و مشکلات زندگی نباشند که اوقات فراغت نیز داشته باشند ولی فرض قانونگذار بر این است که فعالانوان دارای این شرایط هستند لذا شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۱۳ مورخ ۸۱/۱۲/۲۰ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، سیاستهای بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران تصویب کرد بر این اساس فراغت تجربه ای است که فرد هنگام رهایی از اشتغالات و الزامات کار روزانه بر اساس تمایلات و رهیافتهای شخصی و مشارکت داوطلبانه متناسب با نیاز و ذوق خود انتخاب می کند تا جسم، فکر و شخصیت او رشد و پرورش یابد. سیاست فرهنگی نظام اسلامی نیز در خصوص اوقات فراغت بر مبنای زمینه سازی جهت گذران مطلوب، مفید و سازنده

آن و هدایت فکری و عملی و بارور سازی اوقات زندگی است. لذا فراغت در نظام ارزشی اسلام جنبه فرهنگی و دینی داشته و از صورت تفریح و سرگرمی صرف خارج است. زمان فراغت، زمان رشد و شکوفایی استعدادها، تقویت روحیه، مشارکت فعال فرهنگی و اجتماعی و زمان خودسازی در عین کسب نشاط پایدار، شادابی، طراوت و کارایی و رفع خستگی فکری و روانی در زندگی فردی و جمعی است. لذا ضروری است تا جوامع آگاه با اجرای سیاستهای مناسب و سنجیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ایجاد تسهیلات و خدمات، فراهم کردن فضاها و محیطهای مناسب فرهنگی و ورزشی، اتخاذ روشهای تشویق آمیز و...، از هدر رفتن اوقات فراغت جلوگیری کرده و به باروری آن کمک نمایند.

۱۲- حق تأمین اجتماعی و زندگی آبرومندانه

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند. داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

۱۳- حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

۱۴- حق درخواست تضمین تأمین کنندگان کلیه حقوق هر فرد

اگر نمایندگان و مدافعان حقوق ملت امنیت شغلی نداشته باشند حقوق ملت تأمین نمی گردد.

۱۵- حق سلب مسئولیت از مقررات خلاف قانون

قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

۱۶- حق محدودیت در تغییر حقوق و آزادیها (لطمه به حقوق و آزادیهای دیگران)

هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

فصل چهارم : مصونیتها

۱- مصونیت شخصی

یعنی فرد از تعرض به جان، مال و حیثیت خود ایمن باشد در قانون اساسی چنین آمده است که: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند. بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است

۲- مصونیتهای قضائی

یعنی شخص از تعقیب قانونی مراجع قضائی ایمن باشد در قانون اساسی چنین آمده است که: کلیه اشخاص از هر گونه تعقیب حقوقی و دستگیری و مجازات مصون می باشند. هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت

بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. برخی اشخاص حتی در صورت ارتکاب جرائم از هر گونه تعقیب حقوقی و دستگیری و مجازات در دادگاههای عمومی مصون می باشند. مانند قضات که به اتهامات آنان در دادسرا و دادگاه انتظامی قضات رسیدگی می شود.



بخش چهارم: نهاد ولایت فقیه (وظایف رهبری و ارتباط با قوای سه گانه)

فصل اول: دموکراسی اسلامی (مردم سالاری دینی)

۱- ولایت و رهبری

اساس ولایت فقیه

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه نیابت عام امام زمان (عج) که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده تر ساخت.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند. (ویضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم).

ولایت فقیه

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می شود (مجارای الامور، بیدالعلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می کند تا ضامن عدم انحراف سازمان های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند بر اساس اصل پنجم قانون اساسی در زمان غیب حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران. ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد.

تعیین رهبر بر اساس اصل یکصد و هفتم

مقام رهبری در قانون اساسی ایران انتخابی است نه انتصابی، بنابراین پس از مرجع عالیقدر

تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری

شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند.

مسئولیت رهبر

رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

شرایط و صفات رهبر براساس اصل یکصد و نهم

۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.

۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

۳ - بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است.

وظایف و اختیارات رهبر براساس اصل یکصد و دهم

۱ - تعیین سیاستها کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲ - نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام.

۳ - فرمان همه پرسی.

۴ - فرماندهی کل نیروهای مسلح.

۵ - اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶ - نصب و عزل و قبول استعفا: الف - فقهای شورای نگهبان. ب - عالیترین مقام قوه قضائیه.

ج - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. د - رئیس ستاد مشترک. ه - فرمانده

کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷ - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸ - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت

نظام.

۹ - امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از

جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۱۰ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه. رهبر می تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند. شورای رهبری

هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می باشد. در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند. هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود. براساس اصل یکصد و دوازدهم، مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

۲-مشورت

مشورت و شورا در لغت عربی از «شارالعسل» گرفته شده و به معنای بیرون آوردن عسل از کندو و به دست آوردن عسل ناب است. این لغت در اصطلاح به معنای به دست آوردن راه درست و متقن از طریق نظر خواهی از عقلا و خردمندان است. وجه تسمیه مشورت و مشاوره این است که به بهترین اندیشه و محکمترین رای از طریق نظر خواهی و گفتگو با دیگران همچون عسل ناب استخراج شده از کندو به دست می آید. شکی نیست که عمل به شورا، از اصول مسلم رویه عملی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و حکومت اسلامی به شمار می آید

اساس مشورت

رسول خدا (ص) و جانشینان آن حضرت با آنکه معصوم بودند و حتی با قطع نظر از وحی و مقام والای الهی از نظر فکر و بینش و منش از مشورت بی نیاز بودند، با مشورت کردن دو نکته را تعقیب می کردند:

۱- اهمیت مشورت و شورا را به مسلمانان یاد آوری کنند و این روحیه را در عرصه های مختلف جامعه اسلامی، ایجاد و تقویت نمایند.

۲- ضمن آموزش عملی به مسلمانان بیاموزند که چگونه به این سیره عمل کنند و از ثمرات درخشان آن برخوردار شوند؛ پس از آن حضرت، این سنت الهی را به نیکی استمرار بخشند و زندگی را براساس مشورت بنیاد نهند.

۳- نگاهی به اسرار و اهداف مشاوره در سیره معصومان (ع) یکی از مسائل اساسی در سیره و منطق عملی پیشوایان معصوم (ع) مساله مشورت و مشاوره است. در سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) می خوانیم که با اصحاب خود بسیار مشورت می کردند، به طوری که از برخی از اصحاب رسول اکرم (ص) و عایشه چنین نقل شده است: هیچ کس را ندیدیم که با اصحاب خود بیشتر از رسول خدا با اصحابش مشورت کند.

پیامبر (ص) در مورد اعزام افراد برای تبلیغ و اداره امور یک منطقه و اعطای مسئولیت به افراد به منظور فرمانداری و استانداری و مدیریت و حکومت بخشی از مناطق تحت اداره خویش با اصحاب مشورت می کرد.

با استناد به موارد متعددی از سخنان و نامه های مولای متقیان حضرت علی (ع)، در مورد تعیین والی با مشورت مهاجرین و انصار، اهمیت دادن به نظر مردم در تعیین والی، امر مردمی بودن امر حکومت، ضرورت علنی بودن بیعت، تکلیف و وظیفه مردم در تعیین امام و... و همچنین احادیث پیامبر اکرم (ص) در مورد سقوط حکومت در انتخاب ناشایست مردم و غضب خلافت در حکومت بدون مشورت مردم و همچنین نامه امام حسن مجتبی (ع) به معاویه و تاکید بر

انتخاب به وسیله شورا در متن صلحنامه آن حضرت و همچنین پاسخ سید الشهدا حضرت امام حسین (ع) به نامه بزرگان کوفه و... بر صحت و مشروعیت انتخاب استدلال شده است

اقسام شوراها

بر اساس قانون اساسی و طبق دستور قرآن کریم: "و امرهم شوری بینهم" و "شاوهم فی الامر" شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را قانون معین می کند.

برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می کند.

همچنین بمنظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراها استانها تشکیل می شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می کند. شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد. استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می کند.

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

۳- نظارت همگانی، نظارت چیست؟

- نظارت همگانی مراقبت و مشاهده ای است که توسط همه مردم و برای تحقق ارزشهای متعالی در جامعه اسلامی بر اساس قانون اعمال می شود. این نظارت توسط مردم و دولت نسبت به یکدیگر انجام می شود.

- موضوع نظارت معروف و منکر است. اعمالی که مطابق احکام شرع و قانون باشد معروف و در صورت مخالفت با احکام شرع و قانون منکر نام دارد. هدف نظارت همگانی انجام معروف و مبارزه با منکر به منظور پاکی و سلامت جامعه است.

- نظارت دولتی به شکل نظارت درون سیستمی به معنای نظارت قوای حکومت نسبت به یکدیگر و نظارت رهبر بر قوای سه گانه از طریق تشکیل نهادهای نظارتی و ادارات بازرسی درون سازمانهای دولتی، و یا اعطای وظایف نظارتی به بعضی سازمانهای موجود انجام می شود.

- نظارت مردم بر دولت از طریق تشکیل احزاب و جمعیتها و انجمنهای نظارتی و تبلیغی و آزادی بیان و مطبوعات و نشریات، رسانه های صوتی و تصویری و تظاهرات و اجتماعات قانونی و انتخابات صورت می پذیرد.

- نظارت نسبت به ناظر و نظارت شونده هم حق و هم تکلیف است مسئولیت در مقابل سرنوشت جامعه، ارزشهای متعالی و موازین و اصول پذیرفته شده جامعه و وظیفه همه است و همگان حق دارند که ارزشها و اصول اعتقادی آنها مورد احترام واقع شود.

هیچکس حق ندارد اعمال حق نظارت خود را وسیله توهین و تحقیر و تجاوز و تعدی غیر قانونی و غیر شرعی نسبت به دیگران قرار دهد.

نظارت از وظایف پنجگانه مدیریت یعنی، برنامه ریزی، هماهنگی، سازماندهی، بودجه ریزی و نظارت است. نظارت به معنی کنترل، مراقبت، بازدید و در اصطلاح انگلیسی مترادف Monitoring یا Controlling نیز گفته می شود. نظارت دارای درجات مختلف است از نظارت انسان بر خود تا نظارت خداوند بر انسان البته دولت بر امور از مهمترین انواع نظارت است

مفهوم مشارکت و نظارت افراد در جامعه مدرن و جامعه سنتی

راههای باریکی میان حقوق سنتی و مدرن (حقوق جوامع صنعتی) است که حکایت از نزدیک بودن اندیشه‌ها و فرهنگ‌های بشری دارد یعنی بشریت اشتراکاتی دارد که با تکیه بر آنها و تقویتشان می‌توان به یک همگرایی حقوقی رسید، این اندیشه مترقی نوید بخش صلح و دوستی میان ملل است. حقوق مدرن با حکومت و نوشتار همراه است ولی در نتیجه بررسی و تحقیقات انسان شناسان به این جمع بندی می‌رسیم که حقوق جدا از حکومت و حکومت جدا از حقوق نیز ممکن و موجود نیز می‌باشد. مانند حقوق سنتی ایران قبل از مشروطه)

بطور کلی هرچه فاصله میان اشخاص و گروهها بیشتر باشد حقوق مدرن جایگاه بهتری دارد (وضع جوامع صنعتی) و در جوامع سنتی که فاصله میان اشخاص و گروههای اجتماعی اندک است نظارت‌های اجتماعی و گروهی پررنگ ظاهر می‌شود و بطور طبیعی جایگاه حقوق تضعیف می‌گردد. پس در بسیاری از جوامع سنتی حقوق و حقوقی مفهومی نامأنوس است ولی جامعه بخوبی حقوق افراد را اعایت و آزادیهای آنان را تامین می‌نماید، برخلاف آن در جوامع مدرن با تورم حقوقی مواجه هستیم بنابراین قانون با نظارت قانونی همراه است و حقوق و عرف جامعه سنتی با نظارت اجتماعی .

در جوامع سنتی جوامع گروههای متفاوت مکمل یکدیگرند تا معارض هم و میل به همزیستی دارند تا میل به وحدت، بنابراین برخلاف جوامع مدرن نقاط مشترک یکدیگر را میبینند. در حال حاضر حقوق و جامعه ما در برخی ابعاد مدرن شده است. با توجه به شرح فوق و در حقوق مدرن مراحل اجرای منویات دولت عبارت است از: سیاست گذاری، برنامه ریزی و قانونگذاری و نظارت که مهمترین مرحله آن نظارت است.

انواع نظارت‌ها

با توجه به سابقه فقهی در نظارت در امور وصیت، وقف و مانند اینها، صور مختلفی از نظارت مطرح شده است که در آن، هدف اطلاع و آگاهی ناظر است، چون اطلاع ناظر می‌تواند جلوی خلاف‌های بسیاری را بگیرد. بسیاری از تخلفات، از بی توجهی و ندانستن ناشی می‌شود.

نظارت استصوابی

نظارت استصوابی، یعنی هر اقدامی باید قبل از اجرائی شدن به تایید ناظر برسد و برخلاف آن نظارت استطلاعی است که مجری فقط اقدامات انجام شده را به اطلاع ناظر می‌رساند و نیازی به تصویب ندارد بدیهی است ناظر در صورت اعتراض می‌تواند به مراجع قانونی مراجعه نماید.

شورای نگهبان بعنوان مهمترین نهاد نظارتی نظام اسلامی تضمین کننده اسلامیت و قانونی بودن ارکان کشور است. اقدامات نظارتی این شورا بر اساس نظارت استصوابی است. زمینه نظارت (چرا نظارت کم است؟) تا مردم و سایر نظار از امور مملکت اطلاع نداشته باشند نظارت بی معنی است لذا مجلس شورای اسلامی جهت گسترش نظارت عمومی لایحه آزادی اطلاعات را سال گذشته تصویب نمود که بر اثر ایراد شورای نگهبان برای تایید نهائی به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع گردید.

اساس مسئولیت

مسئولیت همگانی رکن اساسی نظارت است یعنی علاوه بر حق نظارت در نظام اسلامی مسئولیت همگانی وجود دارد.

مصونیت یا مسئولیت

بر اساس تئوری حکومت ولائی (ولایت فقیه) حاکمیت هم حق حاکم (مقامات قانونی دولت) است و هم تکلیف آنها، از جهت حق بودن آنها مکلف به انجام وظیفه اند و از جهت دیگر قابل بازخواست در مراجع قانونی می باشند.

تفکیک مسئولیتها و حدود آن: هر کس در حدود قانون مسئول است، که تفصیل آن در ادامه مطالب می آید.

فصل دوم: تفکیک قوا

رهبری و ریاست عالی و فائده قوای سه گانه

بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران هستند که البته زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت و مستقل از یکدیگر می باشند.

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش پنجم : قوه مقننه (قانونگذاری)

بر اساس اصل ۵۸ قانون اساسی، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که اعضای آن را نمایندگان منتخب مردم تشکیل می دهند انجام می گردد. فصل ششم قانون اساسی، مربوط به قوه مقننه و مجلس است. مجلس، مهمترین رکن تصمیم گیری در جمهوری اسلامی ایران است ولی بر اساس اصل ۵۹، طریقه دیگری نیز برای اعمال قوه مقننه وجود دارد. در این اصل آمده است: در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد بر اساس قانون همه پرسی: همه پرسی، به پیشنهاد رئیس جمهوری یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب ۲/۳ مجموع نمایندگان صورت خواهد گرفت. این مصوبه، همانند سایر مصوبات باید به شورای نگهبان برای اظهار نظر فرستاده شود. نظارت بر همه پرسی به عهده شورای نگهبان است.

در ارتباط با اصل ۵۸ (اعمال قوه مقننه از طریق مجلس) دو نکته قابل ذکر است:

- ۱- هر چند امر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران از طریق مجلس است، اما معنایش این نیست که مصوبات مجلس به تنهایی دارای اعتبار است و برای رسمیت و قانونیت یافتن آنها نیازی به تأیید هیچ مرکز و نهادی نیست. بنابراین، اگر بر اساس اصل ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۱۱۲، برای قانونی شدن مصوبات مجلس، نظر تأییدی شورای نگهبان و در پاره‌ای از موارد، مجمع تشخیص مصلحت نظام لازم شمرده شده است، منافاتی با اصل مزبور (۵۸) ندارد.
- ۲- مرجع قانونگذاری بودن مجلس، منافاتی با محدود بودن حق قانونگذاری آن ندارد. به تعبیر دیگر، هر چند مجلس، حق قانونگذاری دارد، اما بر اساس قانون اساسی، در برخی از زمینه‌ها حق قانونگذاری ندارد. در اصل ۷۱ آمده است: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.

حق قانونگذاری مجلس از دو جهت محدود است:

یکی این که نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. دوم این که سیاست گذاری و برنامه ریزی در پاره‌ای از زمینه‌ها، بر اساس قانون اساسی، به نهادهای خاصی واگذار شده است، به برخی از این موارد، اشاره می شود: الف) بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰، تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از وظایف و اختیارات مقام رهبری می باشد و نیز بر اساس بند ۷ و ۸ همین اصل، تصمیم گیری در زمینه حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه و نیز حل معضلات نظام، جزء وظایف و اختیارات مقام

رهبری به حساب آمده است. بنابراین، در این موارد، مجلس حق قانونگذاری ندارد و رأی و نظر مقام رهبری بر همگان - حتی بر مجلس شورای اسلامی - نافذ و الزامی است.

ب) در اصل ۱۰۸ چنین آمده است: قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است. بنابراین، مجلس نمی تواند در این موارد قانونگذاری کند.

ج) در ذیل اصل ۱۱۲ آمده است: مقررات مربوط به مجمع (مجمع تشخیص مصلحت نظام) توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید. بنابراین، مجلس نمی تواند در ارتباط با مقررات مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانونگذاری کند.

د) بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور، در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری و هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی و بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی، از وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی کشور است که پس از تصویب از جانب این شورا و تأیید آنها از جانب مقام رهبری، بر همگان - حتی بر نمایندگان مجلس - الزامی است.

ه) بر اساس اصل ۱۷۷ قانون اساسی، تصمیم گیری برای بازنگری قانون اساسی و نیز اصلاح و متمیم آن از اختیارات مقام رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای مخصوص بازنگری قانون اساسی است و از محدوده اختیارات مجلس شورای اسلامی خارج است.

و) بر اساس ولایت مطلقه و اختیارات ویژه رهبری، اگر مقام رهبری، گروهی را عهده دار سیاست گذاری و برنامه ریزی در زمینه خاصی قرار دهند - چنان که شورای عالی انقلاب فرهنگی را عهده دار سیاست گذاری در زمینه علمی و فرهنگی کشور قرار داده اند - آن مجمع می تواند در آن زمینه سیاست گذاری کند و مصوبات آنها بر همگان، حتی بر نمایندگان مجلس، الزامی است.

امام خمینی رحمه الله در پاسخ به تقاضای رئیس جمهوری وقت در سال ۱۳۶۳ که خواستار اعتبار مصوبات این شورا در حد قانون بود فرموده اند: باید به مصوبات این شورا ترتیب اثر داده شود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان و تعداد نمایندگان مجلس بموجب قانون معین می شود در اصل ۶۲ قانون اساسی آمده است: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد .

بر اساس این اصل، شرایط انتخاب شونده‌گان، به قانون عادی مجلس واگذار شده است، لکن با توجه به وظایف و اختیارات فراوانی که در قانون اساسی برای نمایندگان مجلس منظور شده است، مجلس نمی تواند شرایطی همچون اعتقاد و التزام عملی به اسلام و مبانی نظام و تعهد و امانتداری و نداشتن سوابق سوء و... را نادیده بگیرد؛ زیرا سپردن این همه اختیارات و وظایف به افرادی که در واقع، نوعی ولایت بر سرنوشت و جان و مال مردم است، بدون صلاحیتهای لازم، غیر مشروع است.

در قانون انتخابات مجلس (مصوب ۱۳۷۸/۹/۷) و اصلاحات بعدی آن نیز در ارتباط با شرایط نامزدی نمایندگی مجلس چنین می خوانیم: انتخاب شونده‌گان باید دارای تابعیت اصلی ایران، معتقد و ملتزم عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی، وفادار به قانون اساسی و اصل ولایت فقیه، دارای حداقل مدرک فوق دیپلم، عدم سوء شهرت در حوزه انتخابیه و دارای سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی بوده و بین ۳۰ تا ۷۵ سال سن داشته باشند.

داوطلبان نمایندگی اقلیتهای دینی، از شرایط اعتقاد به اسلام، مستثنا بوده و باید در دین خود ثابت العقیده باشند .

همچنین بر اساس همین قانون، وابستگان مؤثر در تحکیم رژیم سابق، ملاکین اراضی موات، وابستگان و گردانندگان احزاب و تشکیلات غیرقانونی، فراماسونری، نمایندگان مجالس و انجمنهای محلی رژیم گذشته، مجرمین علیه نظام جمهوری اسلامی، محکومین به حدود شرعی، محجورین، مشهورین و متجاهرین به فساد و فسق و فجور و قاچاقچیان و معتادین به مواد مخدر، کلاً از انتخاب شدن محرومند.

بر اساس قانون انتخابات، مقامات عالی قوه مجریه و قضائیه و معاونین و مشاورین آنها، اعضای شورای نگهبان، شاغلین نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات، استانداران، فرمانداران، بخشداران و معاونان و مشاوران آنها در سراسر کشور، ائمه جمعه، رؤسا و مقامات عالی محلی و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل مؤسسات دولتی و وابسته به دولت در حوزه مأموریت خود، به واسطه شغل و مقامی که دارند، از حق انتخاب شدن محرومند، مگر آن که سه ماه قبل از ثبت نام از سِمَت خود استعفا کرده باشند و در آن پست شاغل نباشند.

بر اساس قانون انتخابات، انتخاب کنندگان باید دارای تابعیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۵ سال تمام و عاقل باشند.

در مورد تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اصل ۶۴ آمده است: عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سید و شصت و هشت هجری شمسی، پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها، حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. زرتشتیان، کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان و آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال، هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.

ضمناً، بر اساس اصل ۶۳، دوره نمایندگی مجلس، چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود؛ به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

کیفیت جلسات و مذاکرات مجلس

بر اساس اصل ۶۵، مجلس با حضور ۳۲ مجموع نمایندگان رسمیت می یابد و در نخستین جلسه، کلیه نمایندگان حاضر باید طبق اصل ۶۷، سوگند یاد کنند و کسانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه ای که حضور پیدا می کنند، مراسم سوگند را به جای آورند. بر اساس اصل ۶۹، مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی، برای اطلاع عموم منتشر شود و در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان، به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری، برای اطلاع عموم منتشر گردد.

بر اساس اصل ۷۰، رئیس جمهور و معاونان او و وزیران، به اجتماع یا به انفراد، حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند، مطالبشان استماع می شود.

وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، دارای اختیارات و وظایف سنگین و گسترده ای است. اصول متعدد قانون اساسی در فصل ششم، مربوط به همین موضوع است. مهمترین وظایف و اختیارات مجلس به شرح زیر است:

۱- مهمترین و اصلی ترین وظیفه مجلس شورای اسلامی، وظیفه قانونگذاری است. مجلس در هر

- زمینه‌ای که لازم ببیند، می‌تواند قانون وضع کند. بر اساس اصل ۸۵، مجلس نمی‌تواند حق قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار نماید. (مگر در موارد ضروری که مجلس می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با شروطی، به کمیسیونهای داخلی واگذار نماید).
- ۲- حق دادن طرحهای قانونی و بررسی آنها و نیز حق بررسی لوایح دولتی. - لوایح قانونی، پس از تصویب هیأت وزیران، به مجلس تقدیم می‌شود و طرحهای قانونی، به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است. ضمناً، بر اساس اصل ۱۵۸، تهیه لوایح قضایی، بر عهده رئیس قوه قضائیه است. رئیس قوه قضائیه، لوایح قضایی را به هیأت دولت می‌دهد و پس از تصویب در هیأت دولت، به مجلس ارسال می‌گردد. طرحها و لوایح، پس از اعلام وصول در مجلس برای رسیدگی و اصلاح و تکمیل به کمیسیون مربوط فرستاده می‌شوند تا پس از رسیدگی کمیسیون و توافق هیأت رئیسه و کمیسیون در نوبت خود، برای مذاکره در کلیات (شور اول) به مجلس و جلسه علنی آن آورده شود و پس از تصویب کلیات، مجدداً به کمیسیون مربوطه رفته و ضمن رسیدگی به اصلاحات و پیشنهادات نمایندگان، دوباره برای تصویب جزئیات آن به مجلس آورده می‌شود. در این مرحله، تکلیف طرح یا لایحه مزبور معلوم خواهد شد.
- بر اساس اصل ۹۷، طرح یا لایحه می‌تواند با قید فوریت به مجلس ارائه شود. بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، طرحها و لوایح فوری سه‌گونه‌اند؛ یک‌فوریتی، دو‌فوریتی و سه‌فوریتی. طرحها و لوایح یک‌فوریتی، پس از تصویب یک فوریت آنها در مجلس، به کمیسیون مربوط ارجاع می‌شود و بدون نوبت، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و به محض وصول گزارش کمیسیون به مجلس، در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در همان جلسه اول، تکلیف آن مشخص می‌گردد.
- طرحها و لوایح دو‌فوریتی، پس از تصویب دو فوریت آنها در مجلس، بلافاصله چاپ و تکثیر شده و میان نمایندگان توزیع می‌گردند؛ سپس، بدون ارجاع به کمیسیون باید پس از ۲۴ ساعت، در مجلس مطرح شوند. طرحها و لوایح سه‌فوریتی، پس از تصویب سه فوریت آنها، در همان جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تنها با تصویب ۲/۳ اعضای حاضر، معتبر خواهد بود. ضمناً، طرحهای سه‌فوریتی، مخصوص موارد اضطراری و حساس است.
- ۳- وضع آیین‌نامه داخلی مجلس که شیوه کار مجلس را مشخص کند و نقش اساسی در همه کارهای نمایندگان دارد. (اصل ۶۵)
- ۴- حق تصویب رجوع به همه‌پرسی در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. (اصل ۵۹)

- ۵- وضع هر نوع مالیات و نیز تعیین موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی). اصل (۵۱)
- ۶- تصویب بودجه سالانه کشور که به صورت لایحه، از جانب دولت تهیه می گردد. اصل (۵۲)
- ۷- دیوان محاسبات کشور که دارای اختیارات مهمی است، زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. اصل (۵۲ و ۵۳)
- ۸- تصویب توقف انتخابات در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور در بخشی از کشور و یا تمامی آن، برای مدت معین با شرایط مذکور در اصل ۶۸.
- ۹- شرح و تفسیر قوانین عادی. اصل (۷۳)
- ۱۰- حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور. اصل (۷۶)
- ۱۱- تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی. اصل (۷۷)
- ۱۲- تصویب هر گونه تغییر در خطوط مرزی به صورت اصلاحات جزئی، با رعایت مصالح و... اصل (۷۸)
- ۱۳- تصویب برقراری حکومت نظامی در حالت جنگ و شرایط اضطراری و... اصل (۷۹)
- ۱۴- گرفتن و یا دادن وام و یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید به تصویب مجلس برسد. اصل (۸۰)
- ۱۵- تصویب استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضروری. اصل (۸۲)
- ۱۶- تصویب انتقال بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد، به غیر. اصل (۸۳)
- ۱۷- هر نماینده در برابر تمام ملت مسؤول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. اصل (۸۴)
- ۱۸- مجلس حق دارد تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲، به کمیسیونهای ذی ربط و یا به دولت واگذار نماید. اصل (۸۵)
- ۱۹- دادن رأی اعتماد به هیأت وزیران. اصل (۸۷)
- ۲۰- حق سؤال نمایندگان از رئیس جمهور و حق سؤال هر یک از نمایندگان از وزرا درباره وظایف آنها. پس از طرح سؤال، رئیس جمهور موظف است حداکثر تا یک ماه و وزیر تا ده روز جهت پاسخ به سؤال، در مجلس حاضر شود. اصل (۸۸)
- ۲۱- استیضاح هیأت وزیران یا هر یک از وزرا. در صورتی استیضاح در مجلس قابل طرح است که حداقل به امضای ده نفر از نمایندگان برسد. اصل (۸۹)
- ۲۲- استیضاح رئیس جمهور. در صورتی استیضاح رئیس جمهور قابل طرح در مجلس است که حداقل به امضاء ۱/۳ نمایندگان رسیده باشد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت ۲/۳ کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی

- دادند، مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم، به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. (اصل ۸۹)
- ۲۳- رسیدگی به شکایات وارده درباره طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه. در اصل ۹۰ آمده است: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت، به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است، رسیدگی کند و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت مناسب، نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند.
- ۲۴- انتخاب شش نفر از حقوقدانهای شورای نگهبان پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
- ۲۵- انتخاب دو عضو از شش عضو شورای نظارت بر صدا و سیما.
- ۲۶- انتخاب ده نفر به عنوان اعضای شورای بازنگری در قانون اساسی.
- ۲۷- صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و نیز در موارد مهم داخلی، منوط به تصویب مجلس است. (اصل ۱۳۹)
- اختیارات جزئی دیگری نیز برای مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی منظور شده است.

مصونیت پارلمانی

نمایندگان مجلس با داشتن این همه وظایف و اختیارات بمنظور امنیت شغلی در انجام وظایف، بر اساس قانون اساسی از نوعی مصونیت پارلمانی نیز برخوردارند. نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود، کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب کرد.

در ارتباط با این ارتباط، توجه دو نکته ضروری است:

الف) مصونیت بالا برای نمایندگان مجلس در صورتی است که رأی و اظهارنظر آنها در داخل مجلس و در ارتباط با کار نمایندگی آنها باشد و یا اگر در خارج از مجلس است، در مقام ایفای وظایف نمایندگی باشد؛ مثلاً در مأموریت‌های رسمی از طرف مجلس یا کمیسیون در داخل یا خارج کشور، نظری ابراز کرده و یا رأی داده باشد.

ب) ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی، نباید بهانه‌ای برای تضييع حقوق مردم و وارد کردن لطمه بر حیثیت و شؤون مادی و معنوی اشخاص (نظیر فحاشی، هتک حرمت، تهمت، افشای اسرار خصوصی افراد و...) و یا ترغیب عمومی به بی‌نظمی و آشوب (نظیر اعتصاب و راهپیمایی و...) باشد. بدیهی است، در صورت عدم رعایت این امر، میان نمایندگان و سایر شهروندان، تفاوتی در اعمال قانون نخواهد بود و می‌توان آنها را مورد تعقیب قرار داد.

کمیت آرا و کیفیت اخذ رأی

مصوبات مجلس با رأی موافق اکثریت مطلق (بیش از نصف نمایندگان) حاضرین معتبر است، مگر در مواردی که در قانون اساسی و آیین نامه مجلس، نصاب دیگری معین شده باشد. انتخاب رئیس مجلس و اعضای حقوقدان شورای نگهبان و رأی اعتماد به دولت و تصویب اعتبارنامه نمایندگان و نظایر آن، با اکثریت مطلق حاضران صورت می گیرد

اعضا شورای نگهبان

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود.

۱ - شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲ - شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند

انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان با اکثریت مطلق حاضران صورت می گیرد.

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می شوند مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان. کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند. تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود. شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

نمایندگان مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید. مصوبه مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان برای اظهار نظر ارسال می شود شورای نگهبان در صورتی که اشکالی بر آن وارد بیند نظرات خود را به مجلس شورای اسلامی ارائه می کند، نظر شورای نگهبان طبق روال قانونی در مجلس مطرح شده و مجلس پس از رأی گیری مجدداً مصوبه را به شورای نگهبان ارسال می دارد. اگر مصوبه هنوز وافی به نظرات شورای نگهبان نباشد در صورت توافق دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس مجدداً در مجلس مطرح می گردد در این صورت اگر مصوبه بیشتر از دو ماه در مجلس بماند مجمع می تواند آن را مطالبه نماید، و در صورت عدم توافق میان آن دو مصوبه مجلس، توسط مجلس یا شورای نگهبان و یا صاحب لایحه (دولت - قوه قضائیه) به مجمع ارسال و یا توسط خود مجمع مطالبه می گردد در عین حال نظر شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی نیز اعلام می شود.

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش ششم: قوه مجریه (ریاست جمهوری و دولت)

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است، پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد. رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است. رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می شود، ولی هر گاه در دوره نخست هیچیک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گرفته می شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته اند برای انتخاب مجدد معرفی می شوند.

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می کند.

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است. رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت. امضای عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می پذیرد. : اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است.

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می دهد: در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور یا موافقت رهبری اختیارات و مسئولیتهای وی را بر عهده می گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می کند.

در مدتی که اختیارات و مسئولیتهای رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می گردد، وزراء را نمی توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی توان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه پرسی اقدام نمود. وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رای اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می کند.

ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم های وزیران و هیأت دولت می پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می شود لازم الاجرا است. رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.

وزراء تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می مانند. استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می تواند برای وزارتخانه هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

رئیس جمهور می تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رای اعتماد کند. هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین نامه های اجرایی قوانین می شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آیین نامه پردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای مشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم الاجرا است. تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد. رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه های عمومی دادگستری انجام می شود.

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی از این، حکم مستثنی است.

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد

شورای عالی امنیت ملی

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی "شورای عالی امنیت ملی" به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می گردد.

۱ - تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام

رهبری.

۲ - هماهنگ نمودن فعالیت های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.

۳ - بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. اعضاء شورای شورا عبارتند از: - رؤسای قوای سه گانه - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح - مسئول امور برنامه و بودجه - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری - وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات - حسب مورد وزیر مربوط و عالیترین مقام ارتش و سپاه.

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضاء شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.

ارتش

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد. ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند. و هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود.

استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است.

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید. هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و

استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است. ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به حکم آیه کریمه " و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم " دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تاکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می شود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می باشد. مأموریتهای عمده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱- مبارزه قانونی با عوامل و جریانهایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی، و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می باشند.

۲- مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند.

۳- اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می نمایند.

۴- همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم، در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور.

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه مأموریتهای مذکور در مواد فوق به عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می کند.

نیروی انتظامی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور. فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طرف فرمانده کل قوا منصوب می گردد.

هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است.

مأموریت و وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

- ۱ - استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی.
 - ۲ - مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هر گونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات.
 - تبصره - کیفیت و نحوه همکاری را شورای امنیت کشور تعیین می کند.
 - ۳ - تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکلهای، راهپیماییها، و فعالیتهای قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هر گونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش، بی نظمی و فعالیتهای غیر مجاز.
 - ۴ - اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمانها و یگانهای اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها.
- جمع آوری اخبار و اطلاعات مربوط به مسائل سیاسی، امنیتی و پیگیری اطلاعاتی آن به عهده وزارت اطلاعات است. چنانچه نیروی انتظامی در حین انجام وظایف محوله به این قبیل اخبار و اطلاعات دسترسی پیدا کند، مکلف است ضمن کسب و جمع آوری، آنها را سریعاً در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهد. وزارت مذکور موظف است اخبار و اطلاعات مورد نیاز و مرتبط با وظایف نیروی انتظامی را به موقع در اختیار آن نیرو بگذارد.
- پیگیری اطلاعاتی مواردی از جرائم اجتماعی که با امنیت ملی مرتبط بوده یا قسمتی از یک توطئه یا فعالیتهای پنهانی با هدف براندازی را تشکیل دهد، با هدایت متمرکز وزارت اطلاعات و همکاری نیروی انتظامی انجام خواهد شد.
- نیروی انتظامی مکلف است، پرسنل انتظامی مورد نیاز جهت تأمین اهداف اطلاعاتی (کسب و جمع آوری) وزارت اطلاعات را در صورت درخواست در کنترل عملیاتی آن وزارت قرار دهد.
- کیفیت همکاری و نحوه تأمین پرسنل مورد نظر را شورای امنیت کشور معین خواهد کرد.
- ۵ - حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آنها به استثناء موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، که به عهده سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۶ - حفاظت از مسئولین و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثناء داخل پادگانها و تأسیسات نظامی، مگر در مواردی که بنا به تشخیص شورای عالی امنیت ملی اصل انقلاب و یا دستاوردهای آن در معرض خطر باشد که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۷ - جمع آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز موادناریه با هماهنگی وزارت اطلاعات برابر طرح‌های مصوب شورای امنیت کشور.

۸ - انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

الف - مبارزه با مواد مخدر.

ب - مبارزه با قاچاق.

ج - مبارزه با منکرات و فساد.

د - پیشگیری از وقوع جرم.

ه - کشف جرایم.

و - بازرسی و تحقیق.

ز - حفظ آثار و دلایل جرم.

ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها.

ط - اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

۹ - انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم.

۱۰ - مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه

مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده

انحصاری اقتصادی دریاها.

۱۱ - اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (بجز گذرنامه سیاسی و خدمت) و ورود و

اقامت اتباع خارجی (با هماهنگی وزارت امور خارجه در مورد اتباع خارجی تحت پوشش

دیپلماتیک) با هماهنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و

صدور گذرنامه).

۱۲ - اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راههای کشور.

۱۳ - اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی.

- ۱۴ - نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب.
- ۱۵ - همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور.
- تبصره - نیروی انتظامی با هماهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواقع لزوم می‌تواند از نیروهای مقاومت بسیج استفاده نمایند.
- ۱۶ - همکاری با دبیرخانه پلیس بین‌الملل (انترپول).
- ۱۷ - همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، بانکها و شهرداریها در حدود قوانین و مقررات مربوط.
- ۱۸ - همکاری با سازمانهای ذیربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به منظور کاهش جرائم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله.
- ۱۹ - انجام امور امدادی و مردم‌یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذیربط.
- ۲۰ - سازماندهی، تجهیز، آموزش یگانهای انتظامی و آماده کردن آنها جهت اجرای مأموریتهای محوله.
- ۲۱ - تأمین و حفاظت تأسیسات، سربازخانه‌ها و قرارگاه‌های مربوط.
- ۲۲ - تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط، در حد برد سلاح ضد هوایی سازمانی، با هماهنگی و کنترل عملیاتی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۳ - تأمین نیازهای پزشکی پرسنل و اداره بیمارستانها و درمانگاههای مربوط.
- ۲۴ - تهیه طرح نیازمندیهای لجستیکی و اقدام در جهت تهیه و خرید اقلام و خدماتی که از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به عهده نیروی انتظامی واگذار می‌گردد. همچنین اقدام جهت خرید املاک و احداث تأسیسات مورد نیاز برابر طرحهای مصوب.
- ۲۵ - تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی.
- ۲۶ - تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروی انتظامی.

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش هفتم : قوه قضائیه

مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است؛ این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل). اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد. قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است :

- ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.
- ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
- ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
- ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

ریاست قوه

به منظور انجام مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

وزیر دادگستری

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می کند انتخاب می گردد. رئیس قوه قضائیه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای

همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است

دیوان عالی کشور

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند تشکیل می گردد. رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضایت دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

دادستان

دادسرا مرجع تحقیق و بررسی و جمع آوری ادله راجع به اتهام می باشد در راس دادسرا دادستان (مدعی العموم) میباشد و دادستان کل در راس دادستانها است

دادگاه عمومی و اختصاصی

مراجع رسیدگی به شکایات از دو طریق اقدام میکند

۱- از طرق غیر قضائی - که قاضی راساً اظهار نظر نمی کند، مانند داوری و یا رسیدگی مقامات اداری شوراهای حل اختلاف - به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی شوراهای حل اختلاف، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر قانونی تشکیل گردیده که موجب سرعت رسیدگی به دعاوی مردم و فراغ بال محاکم در رسیدگی به دعاوی مهم شده است.

۲- از طریق قضائی - دادگستری بعنوان مرجع عام تظلمات شناخته می شود قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً "قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم

قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد. هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. ولی در مواردی که حقوق عموم مردم تضییع شده (جرائم و تخلفات) دولت (معمولاً مدعی العموم که دادستان است) بنمایندگی مردم اقدام می‌کند.

دادگاههای اختصاصی دادگاههای هستند که به دعاوی خاصی رسیدگی می‌کنند مانند دادگاه نظامی که به شکایات از نظامیان اختصاص دارد، دعاوی که در صلاحیت دادگاه اختصاصی نباشد در صلاحیت دادگاه عمومی است. به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد، دادگاههایی با صلاحیت عام تشکیل شده است.

قضاوت - صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

دیوان عدالت اداری

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام "دیوان عدالت اداری" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند. قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می

تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند
بازرسی کل کشور

به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاههای اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد.)، سازمانی به نام سازمان "بازرسی کل کشور" تشکیل شده است
وظایف سازمان به شرح زیر می باشد:

- الف - بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت های دولتی و شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمانهایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می نماید و کلیه سازمانهایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است بر اساس برنامه منظم.
- ب - انجام بازرسی های فوق العاده بر حسب دستور شورای عالی قضایی و یا به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاههای اجرایی ذیربط و یا هر مورد دیگری که به نظر رئیس سازمان و شورای عالی قضایی ضروری تشخیص داده شود.
- ج - اعلام موارد تخلف و نارساییها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه ها و نهادهای انقلابی (که فهرست آنها به تصویب هیأت وزیران می رسد) به نخست وزیر و در خصوص مؤسسات و شرکت های دولتی و وابسته به دولت به وزیر وزارتخانه ذیربط و در خصوص شهرداریها و مؤسسات وابسته به آنها به وزیر کشور و در خصوص ادارات و سازمانهای تابعه و واحدهای مربوط دادگستری به شورای عالی قضایی و در خصوص مؤسسات غیر دولتی کمک بگیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- در بازرسی هایی که به دنبال شکایت انجام می گیرد یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص تخلف، توسط سازمان به دیوان عدالت اداری ارسال می گردد
- د - در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است، چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضائی ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند و در مورد تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب

را به مراجع ذی ربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به عمل آورند. مراجع رسیدگی کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند در مورد جرائم منتهی به ورود خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی و تضییع آنها دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح در صورت احراز ورود خسارت و ضرر و زیان، رأساً جبران آن را بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می نماید. دستگاههای ذی ربط موظف به همکاری با دادستان در جمع آوری دلایل و مدارک و پیگیری موضوع می باشند. در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزراء و همپراز آنان باشد سازمان بازرسی کل کشور موضوع را جهت رسیدگی به هیأت تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری منعکس و تا حصول نتیجه پیگیری خواهد نمود.

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش هشتم: اقتصاد، سیاست خارجی و رسانه های گروهی

فصل اول: اقتصاد

۱- هدف اساسی (اقتصاد وسیله است نه هدف)

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

۲- ضوابط اقتصادی

در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، رشد اقتصاد ملی بر مبنای داناتی محوری و در تعامل با اقتصاد جهانی بنا شده است و به منظور برقراری انضباط مالی و بودجه ای ضوابطی را مقرر داشته است به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از نفت در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل دارائی های حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت های پیش بینی شده در برنامه، دولت مکلف شده است با ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت « اقدام های اساسی و زیر بنایی انجام دهد و از برخی اقدامات خودداری نماید مثلاً تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیستم بانکی ممنوع می باشد.

بطور کلی برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱ - تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ - تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل

کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ - رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

۵ - منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶ - منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ - استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸ - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ - تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

۳- سیاست های نظام اقتصادی

الف- سیاست های کلی امنیت اقتصادی براساس سند چشم انداز عبارت است از:

۱- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه گذاری و کارآفرینی از راه های قانونی و مشروع.

۲- هدف از امنیت سرمایه گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.

۳- قوانین و سیاست های اجرائی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.

۴- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.

۵- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

ب- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز براساس سند مربوطه در امور اقتصادی عبارتند از:

۲۶- تحقق رشد اقتصادی سریع، پیوسته و با ثبات

۲۷- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری

۲۸- تحقق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی

۲۹- ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و ...)

۳۰- تعامل فعال با جهان در تمام عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی

۳۱- پشتیبانی از کارآفرینی، فعالیتهای نوآورانه و ظرفیتهای فنی و پژوهشگری

۳۲- تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی

۳۳- دستیابی به اقتصاد متنوع، متکی به دانایی، سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین

۳۴- حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی

۳۵- ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای توسعه صادرات غیرنفتی و رفع موانع تولید قابل رقابت در عرصه بازارهای جهانی

۳۶- ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی

۳۷- اتکا به مزایای نسبی و رقابتی، و خلق مزایای جدید

- ۳۸- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی، به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی
- ۳۹- تلاش برای مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروههای متوسط و کم درآمد جامعه
- ۴۰- نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت
- ۴۱- ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی، تسهیل فرایند دستیابی آن به منابع، اطلاعات و فناوری، تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین انواع تعاونیها
- ۴۲- توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در همه بخشهای اقتصادی و محدود کردن تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی در سقف عناوین مصرح در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و حداکثر حضور کارآمد در قلمروهای امور حاکمیتی
- ج- سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند یک اصل ۱۱۰ عبارتند از:
- ۱- اجرای این سیاستها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است، لازم است دولت و مجلس محترم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند.
 - ۲- نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حسن اجرای این سیاستها با اتخاذ تدابیر لازم و همکاری دستگاه‌های مسئول و ارائه گزارش‌های نظارتی هر سال در وقت معین مورد تأکید است.
 - ۳- در مورد «سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیتهای و بنگاه‌های دولتی» پس از دریافت گزارش‌ها و مستندات و نظریات مشورتی تفصیلی مجمع راجع به رابطه خصوصی سازی با هر یک از عوامل ذیل اصل ۴۴، نقش عوامل مختلف در نا کارآمدی بعضی از بنگاه‌های دولتی، آثار انتقال هر یک از فعالیتهای صدر اصل ۴۴ و بنگاه‌های مربوط به بخش‌های غیردولتی، میزان آمادگی بخش‌های غیردولتی و ضمانت‌ها و راه‌های اعمال حاکمیت دولت، اتخاذ تصمیم خواهد شد انشاء... .
 - د- سیاستهای تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها عبارتند از:

سیاستهای کلی توسعه بخشهای غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه ۵ ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری، خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت بنا به پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است. اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.

۲- سرمایه‌گذاری و مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است:

۲-۱- صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز).

۲-۲- فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی کشور.

۲-۳- بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون.

ه- آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز به این ترتیب است:

اجرای سیاستهای کلی مندرج در این سند، در قالب عملیات توأم با درایت و مدیریت خردمندان، علمی و همه‌جانبه و توجه به دیپلماسی هدفمند کشور، همراه با حفظ منابع ملی، باعث تحولات چشمگیری در همه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور خواهد شد. رسیدن به هدفهای یاد شده مستلزم برداشتن گامهای بزرگ، توأم با نهادسازی پیشرفته و استفاده از تجربیات کشورهای است که این مسیر را پیموده‌اند

و- سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران در امور اقتصادی بر گرفته از سند چشم‌انداز بشرح زیر می باشد:

۳۴- تحقق رشد اقتصادی پیوسته، با ثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم‌انداز.

- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری.

۳۵- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی.

۳۶- تلاش برای دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.

۳۷- ایجاد ساز و کار مناسب برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب، خاک و ...).

- پشتیبانی از کارآفرینی، نوآوری و استعدادهای فنی و پژوهشی.

۳۸- تأمین امنیت غذایی کشور با تکیه بر تولید از منابع داخلی و تأکید بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی.

۳۹- مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروههای کم‌درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله بین دهک‌های بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاستهای مناسب جبرانی.

۴۰- توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی آب در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن.

- مهار آبهایی که از کشور خارج می‌شود و اولویت استفاده از منابع آبهای مشترک.

۴۱- حمایت از تأمین مسکن گروههای کم‌درآمد و نیازمند.

۴۲- حرکت در جهت تبدیل درآمد نفت و گاز به داراییهای مولد به منظور پایدارسازی فرآیند توسعه و تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع.

۴۳- توسعه روستاها.

- ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساختهای مناسب تولید و تنوع بخشی و گسترش فعالیتهای مکمل بویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت گذاری محصولات.

۴۴- هم افزایی و گسترش فعالیتهای اقتصادی در زمینه هایی که دارای مزیت نسبی هستند از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل و گردشگری، بویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین دستی آنها، با اولویت سرمایه گذاری در ایجاد زیربناها و زیرساختهای مورد نیاز، و ساماندهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاستهای آمایش سرزمین.

۴۵- تثبیت فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران با اتکاء به مزیت های نسبی و رقابتی و خلق مزیت های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن.

۴۶- ارتقاء بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه ای کشور با تأکید بر کارآیی، شفافیت، سلامت و بهره مندی از فناوریهای نوین.

- ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه گذاران با حفظ مسئولیت پذیری آنان.

- تشویق رقابت و پیشگیری از وقوع بحرانها و مقابله با جرمهای مالی.

۴۷- توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چارچوب سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که ابلاغ خواهد شد.

۴۸- ارتقاء ظرفیت و توانمندیهای بخش تعاونی از طریق تسهیل فرآیند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی آن.

۴۹- توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی کشور و رعایت جهات زیر در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی دولت به مردم:

- امر واگذاری در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود هدف قرار نگیرد.

- در چارچوب قانون اساسی صورت پذیرد.

- موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی نگردد.

- به خدشه دار شدن حاکمیت نظام یا تضييع حق مردم و یا ایجاد انحصار نینجامد.

- به مدیریت سالم و اداره درست کار توجه شود.

۵۰- اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت.

۵۱- تلاش برای قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری براساس کارآیی و بازدهی.

۵۲- تنظیم سیاستهای پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات.

ملاحظه: شاخصهای کمی و نحوه انطباق محتوای برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه متناسب با سیاستهای کلی برنامه چهارم تهیه و ارائه شود.

ز- بطور کلی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

۴- مالکیت

انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد

می شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند.

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

۵- مالیه عمومی

بر اساس قانون اساسی هیچ نوع مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود. نحوه کسب درآمد و چگونگی هزینه آن نیز بموجب قانون بودجه معین می گردد، بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود. بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیشبینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینهها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاستها و هدفهای قانونی می شود، بوده و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می شود:

۱ - بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است:

الف - پیش‌بینی دریافتها و منابع تأمین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاه‌ها از طریق حسابهای خزانه‌داری کل اخذ می‌گردد.

ب - پیش‌بینی پرداختهایی که از محل درآمدهای عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری عمرانی و اختصاصی دستگاههای اجرایی می‌تواند در سال مالی مربوط انجام گردد.

۲ - بودجه شرکتهای دولتی و بانکها شامل پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار.

۳ - بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

کلیه دریافتهای دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد. دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل دوم: سیاست خارجی

بر اساس سند چشم‌انداز، ثبات در سیاست خارجی

بر اساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق:

گسترش همکاریهای دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورها،

تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی،

مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور

نظامی بیگانگان، مقابله با تک‌قطبی شدن جهان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف

بویژه ملت فلسطین، تلاش برای همگرایی بیش‌تر میان کشورهای اسلامی، تلاش برای اصلاح

ساختار سازمان ملل، بهره‌گیری از روابط سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی،

افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی

ایران و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر در چشم‌انداز.

تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و

تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی. تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی. تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی. - تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان، و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی، جهت گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی، توسعه همکاری‌های همه جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح، توسعه نظم و امنیت عمومی، ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی، تلاش لازم و ایجاد سازماندهی قانونمند برای جذب منابع مالی مورد نیاز (داخلی و خارجی) در امور نفت و گاز در بخش‌های مجاز قانونی، فراهم کردن زمینه جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و جلب مشارکت مردم و گسترش پوشش بیمه در همه فعالیت‌های این بخش، دستیابی به سهم بیشتر از بازار حمل و نقل بین‌المللی بایستی اعمال گردد.

۱- اصول ملی و میهنی در روابط بین‌المللی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است. هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.

۲- اصول انسانی در رابطه با مردم سایر کشورها

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند

تقویت مشارکت نزدیکتر اقتصادی، متضمن منافع ویژه و اقتصادی بوده و موجب بهبود استاندارد زندگی ملتها خواهد شد و توسعه روابط اقتصادی و تجاری مشترک، صلح و ثبات جهانی را ارتقاء خواهد داد؛ این ترتیبات به تدریج گسترش یافته و به زمینه‌های جدیدی از منافع مشترک تعمیم خواهد یافت روابط سیاسی با هدف کمک به توسعه بیشتر اقتصاد مربوط آنها و کاهش و حذف تدریجی موانع فرا راه تجارت به گسترش اصول انسانی و تجارت نیز کمک خواهد کرد.

فصل سوم: رسانه های گروهی

۱- تشکیلات

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.

اهداف و وظایف

وسایل ارتباط جمعی بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند. وسایل ارتباط جمعی (رادیو تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند." صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌باید از طریق دادن آگاهی‌های مکتبی، سیاسی و اجتماعی و ایجاد احساس مسئولیت در مردم و افشای توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب در جهت حفظ و تداوم انقلاب تلاش نماید و زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها و باروری خلاقیت‌های انسان تا مرز خلیفه‌اللهی آماده نماید. رسالت ارشادی و پیامبرگونه این رسانه عمومی، حضور فعال در کلیه جریانات اجتماعی و ایجاد روحیه امید و اعتماد در جامعه است. همچنانکه باید واقعیت‌های تلخ و خطراتی که امت را تهدید می کند پیشگویی کرده و به موقع هشدار دهد مردم را به سوی خیر و کمال مطلق دعوت نموده و در تنگناها و مشکلات راهگشای روشنی بخش باشند. بدیهی است که صدا و سیمای هرگز نباید خود را مرجع حل مشکلات قلمداد نماید، بلکه تنها با ایفای نقش ارشادی و آگاهی دهنده، زمینه ساز حرکتی شتاب گیر و انقلابی در متن جامعه اسلامی باشد. در

این راه باید کلیه رویدادها و وقایع را آنگونه که هست به اطلاع مردم رساند و با بهره‌گیری از خلاقیت‌های هنری و اندیشه‌های پربار به آموزش فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، علمی، فنی و هنری و بالا بردن سطح آگاهی و دانش جامعه پردازد. همچنین با ارائه اندیشه و فرهنگ اسلامی در سطح جهانی صدور انقلاب را عینیت بخشد. رسالت دیگر این رسانه پاسخگویی به نیازهای تفریحی جامعه و بارور ساختن اوقات فراغت عمومی از طریق اجرای برنامه‌های سالم تفریحی است. تادر سایه شادابی تن و روان سلامت و آرامش فکری جامعه تأمین گردد.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذالك جعلنا امه و سبطاً لتکونوا شهداء علی الناس).

دانشگاه علوم اقتصادی

بخش نهم: بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام

می گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید:

- ۱ - اعضای شورای نگهبان.
- ۲ - رؤسای قوای سه گانه.
- ۳ - اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۴ - پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری.
- ۵ - ده نفر به انتخاب مقام رهبری.
- ۶ - سه نفر از هیأت وزیران.
- ۷ - سه نفر از قوه قضائیه.
- ۸ - ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
- ۹ - سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسی "بازنگری در قانون اساسی" لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

پیوست: متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

مقدمه قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن رامی طلبد. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضتها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبشها به سرعت به رکود کشانده شد. از این جا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می باشد.)

طلیعه نهضت

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگیهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به

امپریالیزم جهانی بود، عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خرداد ماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود، مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و بویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند. در این میان قشر آگاه و مسوول جامعه در سنگر مسجد، حوزه های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پیگیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانونهای پرخروش انقلاب آغاز نموده بود، به مذبحخانه ترین اقدامات ددمشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان، جوخه های اعدام، شکنجه های قرون وسطایی و زندانهای دراز مدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و باایمان که سحر گاهان در میدانهای تیر، فریاد «الله اکبر» سر می دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله های دشمن قرار می گرفتند، انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید، بیانیه ها و پیامهای پی در پی امام به مناسبتهای مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزونتر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد، انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده تر ساخت. در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیانهای حاکمیت رژیم را بشدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طور گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشار نامه توهین آمیزی به ساحت مقدس روحانیت و بویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت راسریعتر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را بابه خاک و خون کشیدن، خاموش کند اما این خود خون بیشتری در گهای انقلاب جاری ساخت و تپشهای پی در پی انقلاب در هفتمها و چهارمهای یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزونتری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمانهای کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند، همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناحهای مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین کننده بود و مخصوصا زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده ای داشتند، صحنه هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله های مسلسل نشان می داد، بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صدهزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد. ۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را درهم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه پرسشهای جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸٪ ۲ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد. اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود راپاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. بویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبشهای اسلامی و مردمی می‌کوشد تاراه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذاه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار به مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمینگر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم). در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله مصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونه‌گی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و مسوول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)

ولایت فقیه

عادل براساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می کند تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خودهدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کار آیی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیتهای متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیشاهنگ و خود هم‌مرم مردان در میدانهای فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسوولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ارتش مکتبی در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم).

قضا در قانون اساسی

مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی، پیش بینی شده است، این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکمو بالعدل)

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مساله حیاتی در زمینه سازی و وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت، بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد، بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت های طاغوتی است، بشدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارآیی بیشتر و سرعت افزونتر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.

دانشگاه علوم اقتصادی وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (راديو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصصتهای تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسوولین کارداران

و مومن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند، به امید این که در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و كذلك جعلناكم امه وسطا لتكونوا شهداء على الناس)

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را براساس بررسی پیش نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروههای مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بنیانگذار مکتب رهایی بخش اسلام با اهداف و انگیزه های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

فصل اول: اصول کلی

اصل اول - حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد.

اصل ۲ - جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱ - خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر

او.

۲ - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳ - معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴ - عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵ - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶ - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج - نفی هر گونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

اصل ۳ - دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲ - بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴ - تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶ - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷ - تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و

معنوی.

۱۰ - ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.

۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و

تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲ - پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر

و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳ - تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۴ - تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و

تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه

مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

اصل ۴ - کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی،

سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون

اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان

است.

اصل ۵ - در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی

ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است

که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

اصل ۶ - در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

اصل ۷ - طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» شوراهای: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند.

موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند.

اصل ۸ - در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

اصل ۹ - در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل ۱۰ - از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل ۱۱ - به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل ۱۲ - دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل ۱۳ - ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند.

اصل ۱۴ - به حکم آیه شریه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

اصل ۱۵ - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل ۱۶ - از آن جا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته ها تدریس شود.

اصل ۱۷ - مبداء تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل ۱۸ - پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

فصل سوم: حقوق ملت

اصل ۱۹ - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل ۲۰ - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل ۲۱ - دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱ - ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲ - حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان

بی سرپرست.

۳ - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴ - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵ - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی

شرعی.

اصل ۲۲ - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۳ - تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس رانمی توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل ۲۴ - نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن راقانون معین می کند.

اصل ۲۵ - بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل ۲۶ - احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی وانجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس رانمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل ۲۷ - تشکیل اجتماعات و راه پیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل ۲۸ - هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل ۲۹ - برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.

دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

اصل ۳۰ - دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳۱ - داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل ۳۲ - هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل ۳۳ - هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل ۳۴ - دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل ۳۵ - در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل ۳۶ - حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل ۳۷ - اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل ۳۸ - هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل ۳۹ - هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل ۴۰ - هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل ۴۱ - تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل ۴۲ - اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی

اصل ۴۳ - برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، باحفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱ - تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ - تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این

اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ - رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵ - منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶ - منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ - استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸ - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ - تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل ۴۴ - نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه‌بخش دولتی، تعاونی و

خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ،

بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و

تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت

عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند.

اصل ۴۵ - انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یارهاشده، معادن، دریاها، دریاچهها، رودخانهها و سایر آبهای عمومی، کوهها، درهها، جنگلها، نزارها، بیسههای طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند.

اصل ۴۶ - هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل ۴۷ - مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند.

اصل ۴۸ - در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل ۴۹ - دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند

و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل ۵۰ - در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل ۵۱ - هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل ۵۲ - بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل ۵۳ - کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل ۵۴ - دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل ۵۵ - دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل ۵۶ - حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر

سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعد می آید اعمال می کند.

اصل ۵۷ - قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل ۵۸ - اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

اصل ۵۹ - در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل ۶۰ - اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراست.

اصل شصت و یکم - اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد.

اصل ۶۲ - مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل ۶۳ - دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل ۶۴ - عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند. محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند.

اصل ۶۵ - پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آیین نامه مصوب داخلی انجام می گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل ۶۶ - ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می گردد.

دانشگاه علوم اقتصادی
اصل ۶۷ - سوگند نمایندگان مجلس

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضاء نمایند. بسم الله الرحمن الرحيم

"من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مد نظر داشته باشم."

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند.

اصل ۶۸- در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رییس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان از انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۶۹- انتشار مذاکرات مجلس از رادیو و روزنامه رسمی

مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت

کشور ایجاب کند، به تقاضای رییس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل ۷۰ - رییس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا با افراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند و هر گاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

اصل ۷۱ - مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل ۷۲ - مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۷۳ - شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادستان، در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.

اصل ۷۴ - لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

اصل ۷۵ - طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل ۷۶ - مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل ۷۷ - عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۷۸ - هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزن و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۷۹ - برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیتهای ضروری را برقرار

نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت
همینان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل ۸۰ - گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت
باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

اصل ۸۱ - دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی
و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

اصل ۸۲ - استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد
ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل ۸۳ - بناها و اموالی دولتی که از نفایش ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با
تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایش منحصر به فرد نباشد.

اصل ۸۴ - هر نماینده در بابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و
خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل ۸۵ - سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست.
مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری
می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود
تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی

اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتهای، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالفت قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۸۶- نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

اصل ۸۷- رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسایل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل ۸۸- در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسیول، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتاد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

اصل ۸۹- استیضاح وزیران و رئیس جمهور

نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت وزیران یا وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رییس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رییس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسایل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رییس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رییس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل ۹۰ - هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل ۹۱ - شورای نگهبان

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات، مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسایل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رییس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

اصل ۹۲ - اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

اصل ۹۳ - مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۹۴ - کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و بنایه آن را مغایر بیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

اصل ۹۵ - در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل ۹۶ - تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اصل ۹۷ - اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

اصل ۹۸ - تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

اصل ۹۹ - نظارت شورای نگهبان

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

اصل ۱۰۰ - برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخابشوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

اصل ۱۰۱ - به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل ۱۰۲ - شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۱۰۳ - استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل ۱۰۴ - به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل ۱۰۵ - تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل ۱۰۶ - انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

دانشگاه علوم اقتصادی
اصل ۱۰۷ - خبرگان رهبری

پس از مرجع عالیقدر تقلید و هبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است.

خبرگان رهبری درباره همه فقهاء واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسوولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل ۱۰۸ - قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهاء اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

اصل ۱۰۹ - شرایط و صفات رهبر

صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.

عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
دانشگاه علوم اقتصادی

بیش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است.

اصل ۱۱۰ - وظایف و اختیارات رهبر

تعیین سیاستها کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام.

فرمان همه پرسی.

فرماندهی کل نیروهای مسلح.

اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروهای.

دانشگاه علوم اقتصادی

نصب و عزل و قبول استعفای:

فقه‌های شورای نگهبان.

عالیترین مقام قوه قضائیه.

رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

رئیس ستاد مشترک.

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت

نظام.
دانشگاه علوم اقتصادی

امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری
از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان
و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

عزل رییس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتم و نهم.

عفو یا تخفیف مجازات محکومیت در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه.

رهبر می تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل ۱۱۱ - برکناری رهبر

هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود. یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است. در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رییس جمهور، رییس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد درگیر به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقهاء، در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند. هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حداکثر دیگری موقتا از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.

اصل ۱۱۲ - مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

اصل ۱۱۳ - پس از مقام رهبری رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل ۱۱۴ - رییس جمهور

رییس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل ۱۱۵ - رییس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل ۱۱۶ - نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رییس جمهوری را قانون معین می کند.

اصل ۱۱۷ - رییس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می شود، ولی هر گاه در دوره نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته اند برای انتخاب مجدد معرفی می شوند.

اصل ۱۱۸ - مسوولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می کند.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۱۱۹ - انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل ۱۲۰ - هر گاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل ۱۲۱ - سوگند رئیس جمهور

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید. بسم الله الرحمن الرحيم "من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسوولیتهایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم."

اصل ۱۲۲ - رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اصل ۱۲۳ - رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل ۱۲۴ - رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد.

معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسوولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت.

اصل ۱۲۵ - قراردادها و توافقنامه های بین المللی

امضای عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۱۲۶ - رئیس جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل ۱۲۷- رئیس جمهور می تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود.

اصل ۱۲۸- سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می پذیرد.

اصل ۱۲۹- اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است.

اصل ۱۳۰- استعفای رئیس جمهور

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می دهد.

اصل ۱۳۱- در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور یا موافقت رهبری اختیارات و مسوولیتهای وی را بر عهده می گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می کند.

اصل ۱۳۲- در مدتی که اختیارات و مسوولیت‌های رییس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.

اصل ۱۳۳- وزراء توسط رییس جمهور تعیین و برای رفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل ۱۳۴- ریاست هیأت وزیران با رییس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رییس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است. رییس جمهور در برابر مجلس مسیول اقدامات هیأت وزیران است.

اصل ۱۳۵- وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند. استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان به رییس جمهور تسلیم می‌شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رییس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل ۱۳۶ - رئیس جمهور می تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل ۱۳۷ - هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل ۱۳۸ - علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین نامه های اجرایی قوانین می شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب نامه و آیین نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای مشتمل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم الاجرا است.

تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.

اصل ۱۳۹ - اصلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل ۱۴۰ - رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل ۱۴۱ - رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی از این، حکم مستثنی است.

اصل ۱۴۲ - دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

دانشگاه علوم اقتصادی

اصل ۱۴۳ - ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

اصل ۱۴۴ - ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت پذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مومن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

اصل ۱۴۵ - هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود.

اصل ۱۴۶ - استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است.

اصل ۱۴۷ - دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید.

اصل ۱۴۸ - هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

اصل ۱۴۹ - ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل ۱۵۰ - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می ماند. حدود

وظایف و قلمرو مسوولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسوولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می شود.

اصل ۱۵۱ - به حکم آیه کریمه "واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدو کم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم" دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

اصل ۱۵۲ - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

اصل ۱۵۳ - هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شیون کشور گردد ممنوع است.

اصل ۱۵۴ - جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.

اصل ۱۵۵ - دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

اصل ۱۵۶ - وظایف قوه قضاییه

قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسیول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل ۱۵۷ - به منظور انجام مسوولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی قمام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رییس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالیترین مقام قوه قضاییه است.

اصل ۱۵۸ - وظایف رییس قوه قضاییه به شرح زیر است:

ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسوولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.

استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل ۱۵۹ - مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل ۱۶۰ - وزیر دادگستری مسوولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رییس قوه قضاییه به رییس جمهور پیشنهاد می کند انتخاب می گردد.

رییس قوه قضاییه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.

اصل ۱۶۱ - دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسوولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رییس قوه قضاییه تعیین می کند تشکیل می گردد.

اصل ۱۶۲ - رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رییس قوه قضاییه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

اصل ۱۶۳ - صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود.

اصل ۱۶۴ - قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره های قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

اصل ۱۶۵ - محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل ۱۶۶ - احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل ۱۶۷ - قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل ۱۶۸ - رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون اساسی موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل ۱۶۹ - هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

اصل ۱۷۰ - قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خاجر از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل ۱۷۱ - هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و ر غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل ۱۷۲ - برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل ۱۷۳ - به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام "دیوان عدالت اداری" زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

اصل ۱۷۴ - بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند.

اصل ۱۷۵ - در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.

اصل ۱۷۶ - وظایف شورای عالی امنیت ملی

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی "شورای عالی امنیت ملی" به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می گردد.

تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.

همهانگ نمودن فعالیت های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط
با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.

بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

روسای قوای سه گانه

رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

مسوول امور برنامه و بودجه

دو نماینده به انتخاب مقام رهبری

دانشگاه علوم اقتصادی
وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات

حسب مورد وزیر مربوط و عالیترین مقام ارتش و سپاه

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل میدهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانونی معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.

اصل ۱۷۷ - بازنگری در قانون اساسی

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می گیرد. مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید:

اعضای شورای نگهبان.

روسای قوای سه گانه.

دانشگاه علوم اقتصادی
اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام.

پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری.

ده نفر به انتخاب مقام رهبری.

سه نفر از هیأت وزیران.

سه نفر از قوه قضاییه

